

مشتاقان نامہ سیاسی اجتماع اور نمونہ



حضور شہر وندان
«دیده نشده» پایتخت
در صحن شورا



آغاز تردیدها برای ماندن
در بهشت جهنم پنهان بهشت
برای آقای شهردار!



شنبه ۹ دی ۱۳۹۶ | سال چهارم | دوره جدید، شماره: ۵۳ | ۶ صفحه | قیمت: ۱۰۰۰ تومان
December 30-2017 | www.tehranshahrweekly.com

«پدیده شهر» سابق



بررسی معضلات و راهکارهای حل مشکلات شهری در منطقه ۱۳



و حالا... شرق بهشت!

۳۲ هزار پلاک در پایتخت روی گسل یا در حریم آن قرار دارند

قائم مقام معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران با بیان اینکه حدود ۳۲ هزار پلاک روی گسل یا در حریم آن قرار دارند، گفت: تمامی موارد مربوط به گسل ها و حریم آن ها روی سامانه شهرسازی کاملاً مشخص و بارگذاری شده است و در دستور نقشه هایی که برای مردم صادر می شود، معلوم است که وضعیت ملک از حیث گسل به چه صورت است. به گزارش ایسنا، توجیح فرهادی با اشاره به اینکه گسل های تهران و حریم آن ها توسط ستاد بحران و مرکز مطالعات ژئوتکنیک مشخص و به معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران اعلام شده است، اظهار کرد: تمامی این موارد روی سامانه شهرسازی معاونت پیاده سازی شده است به این معنی که در هر یک از مناطق اگر شهروندان تقاضای ساخت یک پارسل یا پلاک ثبتی را داشته باشند، مشخص است که این پلاک روی گسل یا در حریم آن قرار دارد یا نه. وی با بیان اینکه در حال حاضر در پایتخت حدود ۳۲ هزار پلاک در حریم یا روی گسل قرار دارند، گفت: تمامی موارد مربوط به گسل ها و حریم آن ها روی سامانه شهرسازی کاملاً مشخص و بارگذاری شده است و در دستور نقشه هایی که برای مردم صادر می شود، معلوم است که وضعیت ملک از حیث گسل به چه صورت است. قائم مقام معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران تأکید کرد: همچنین، شهروندان با ورود به سامانه طرح تفصیلی می توانند از وضعیت ملک خود از حیث قرار داشتن روی گسل یا در حریم آن مطلع شوند.

ممنوعیت احداث ساختمان های بسیار با اهمیت روی گسل و حریم آن فرهادی در ادامه با بیان اینکه در ویرایش آیین نامه ۲۸۰۰ و محبت ششم مقررات ملی ساختمان مجموعه ای از ضوابط و مقررات برای ساختمان املاکی که روی گسل قرار دارند تبیین شده است، گفت: با توجه به حساسیت موضوع قرار شده بود برای این حرایم ضوابط خاصی دیگری غیر از آیین نامه های موجود در نظر گرفته شود، وی با تأکید بر اینکه در گذشته ضوابطی از سوی سازمان مدیریت بحران تدوین شده بود، تصریح کرد: البته ضوابط پیشنهادی به دلایلی مورد قبول سیستم قرار نگرفت، در حال حاضر هم مرکز تحقیقات ساختمان وابسته به وزارت راه و شهرسازی ضوابط خاصی طراحی ساختمان روی گسل ها و حریم آن ها را تدوین می کند که بر این ضوابط هنوز ابلاغ نشده است. قائم مقام معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران ادامه داد: ضمن اینکه طبق مصوبه شورای عالی شهرسازی، احداث ساختمان های با اهمیت بسیار بالا مانند مدارس، ساختمان های مخابرات و خدمات و تاسیسات شهری که در محبت ششم در آن تأکید شده است، روی گسل یا در حریم آن ها ممنوع اعلام شد.

ضرورت خروج کارخانه های شیمیایی از حریم گسل ها طبق مصوبه شورای عالی شهرسازی فرهادی با اشاره به وجود ساختمان های خطرناک مانند انبارها و کارخانجات شیمیایی روی گسل ها عنوان کرد: در صورت وقوع زلزله تخریب این ساختمان ها موجب آسیب به محیط اطراف می شوند. به همین دلیل طبق مصوبه شورای عالی شهرسازی این نوع از کارخانه ها باید از حریم گسل خارج شوند. وی در پایان ممنوعیت بلندتر می سازی در حریم گسل ها را از دیگر موارد مورد اشاره در مصوبه معرفی کرد و افزود: معاونت شهرسازی طبق بخشنامه ای در سال ۹۶ تمامی موارد ممنوعه اعلام کرد. همچنین، نظرمی تازم از سوی وزارت راه و شهرسازی مقرر است ضوابط جدید برای ساخت و ساز در حریم گسل ها تدوین شود.



«طهران شهر» بررسی می کند:

آغاز تردیدها برای ماندن در بهشت جهنم پنهان بهشت برای آقای شهردار!

دو دلیل برای عدم انتشار گزارش ۱۲ ساله، رفتارهای خاص شهردار تا مگر دقایقی و شعارهای ژینگولی!
 پس لرزه های زلزله به شورا نرسید، فراموشی حساب کشی از شهرداری!
 درخواست نرم از شهردار، یادآوری یک گزارش!
 ۱۰۰ روز گذشت، خبری از کارنامه ۱۲ ساله نشد!

تذکرات شورا به مقصد دستگاه ها و نهادهای دیگر، وقتی شورا تمایل و توان حساب کشی از شهرداری را ندارد!

باید و نباید های گزارش واقعی شهری که تحویل گرفته شد!

چه کسانی قرار است وضعیت شهر را گزارش دهند، مدیران قدیمی یا معاون های تازه کار!

سه تذکر مفید شورا؛ از تأکید بر لزوم ورود به زلزله پایتخت تا ناکارآمدی سامانه ۱۳۷

جلسه سی و دوم.....

هایی در دستور قرار گیرد که با «مساله اصلی شهر تهران باشد» یا «اولویت اول افکار عمومی باشد» و یا «در برگزیده حل معضل و مشکلی از مردم و شهر تهران باشد». نفس حضور نهاد های مردمی و سازمان های غیر دولتی ابتکار مناسبی است که در شورای پنجم رخ داده است، اما به نظر می رسد این مساله باید توأم با «حساب کشی» و «نظارت شورا» بر آنچه در شهر رخ می دهد، باشد. البته «حساب کشی» نیاز به تسلط اعضای شورا بر مباحث و موضوعات دارد!
 شاید از میان همه مباحث این بخش از جلسه، اعتراف یک عضو شورا که «شهرداری با استعراضی داره کار می کنه» قابل توجه ترین موضوع بود، البته این عضو محترم آنرا باز نکرد و نگفت که در کدام بخش استعراضی می کند؟ در بخش حقوق و دستمزد کارمندان شهرداری یا پروژه ها!
 از زاویه آنچه در بالا گفته شد، جلسه گفت و شنود امروز بر نهایتاً توانست به تشکیل کار گروهی مشترک بین شورا و اتاق بازرگانی تهران منجر شود که آن هم، قطعیت نیافت. به قول یکی از اعضا: «امیدوارم این جلسات منتج به جلسات تشریفاتی نشود!»
 ج. سایر موارد (۵:۵۵ دقیقه)
 بررسی «طرح الزام شورای شهر تهران برای تشکیل کمیته ارتقاء یعنی ساختمان های شهر که در جلسه نیمه شورا فوریت آن به تصویب رسیده بود. در بگاری گیر می بینم (۹ رای موافق در مقابل ۸ رای مخالف) به تصویب رسید.
 بررسی دو پرونده مربوط به کمسیون ماده ۷ (کمسیون باغات و حفظ و گسترش فضای سبز)
 همانطور که قبلاً گفته ام، طرح این پرونده ها در صحن علنی شورا یک قدم به جلو محسوب می شود، اما دو اشکال اساسی همچنان باقی است: یکی اینکه، مستندات این پرونده های ایراد افکار عمومی جهت بررسی و راستی آزمایی در دسترس نیست (یکی از اعضا: «شورا امروز به این تقیصه جدی اشاره کرد») دوم اینکه، اعضا بر اساس تفصیلات و گزارش چند کارشناسی خاص اقدام به رای دادن می کنند، که این مساله قدری ریسک راستی آزمایی را بالا می برد. به نظر می رسد علاوه بر این دو مساله، رسانه هایز باید ورود عمقی و محتوایی به این پرونده ها کنند!!

عابدین سالاری اسکر، سردبیر هفته نامه «طهران شهر»: جلسه ۱۳۷ شورا (۳۲ بامه) انتظاری می رفت که تحت تأثیر زلزله چند روز پیش تهران، بیشتر شکل و سمبالی «حساب کشی» از شهرداری تهران پیدا کند. به صورت معمولی و در حد متوسط به پایین از حیث میزان کارایی و اثر گذاری بر گزارش شورا. در زیر میانی این استدلال می آید:
 الف: تذکرات (۱۴ دقیقه)
 «تذکر» به عنوان ابزار نظارتی شورا، چنانچه در چهار چوب «اختیارات قانونی»، «ناظر به طرح مسئله و مشکلی در شهرداری»، «حل مساله ای از شهر»، «هدف قرار دادن مشکلات واقعی مردم» و «مبارزه با فساد و رانت» باشد، تذکر «موتور» مفید و ارزانی می شود.
 تذکر خانم «نژاد پیرام» (درخواست ارائه گزارش عملکرد مدیریت شهری سابق در ۱۲ سال گذشته طی ۱۰۰ روز توسط شهردار تهران، علیرغم گذشت ۱۵ روز از مهلت آن) را می توان در حد یک درخواست نرم، آرام و ملو اما ساز در چار چوب وظایف نظارتی شورا تعبیر کرد. البته به نظر می رسد که مد نظر شورا است و در این چند ماهه به روی آن مانور رسانه ای گسترده داده اند، توسط شهردار کنونی این امکان بر آورده شدن دارد و نه جرات انتشار آن را دارد. البته به شرط اینکه، تمایل واقعی برای انتشار آن وجود داشته باشد (به دلیل خاصی)!!
 به این دلیل، امکان آن وجود ندارد که در سطح مدیران مناطق شهرداری، عمدتاً تئوری های درجه دوم و سوم همان سیستم قبلی حضور دارند. در سطح معاونت های شهرداری تهران نیز، تعداد بسیاری از معاونت ها همان مدیران کل و مدیران ارشد حضور دارند و تعدادی از معاونت ها که تازه منصوب شده اند، اساساً تسلط بر حوزه کاری خود ندارند. در نتیجه، از سیستم کنونی چیزی بیرون نمی آید.
 شهردار تهران به دو دلیل، جرات انتشار آنچه قبلی حضور دارند. در سطح معاونت های شهرداری تهران نیز، تعداد بسیاری از معاونت ها همان مدیران کل و مدیران ارشد حضور دارند و تعدادی از معاونت ها که تازه منصوب شده اند، اساساً تسلط بر حوزه کاری خود ندارند. در نتیجه، از سیستم کنونی چیزی بیرون نمی آید.
 شوراییان به دنبال آن هستند، رانندار. دلیل اول: سیاسی است و رفتارهای شهردار به دلیل خاص (طی این مدت آن را نشان داده است. دلیل دوم، این است که وی علیرغم شعارهای ژینگولی که داده است در بسیاری از موضوعات همان روش های

شهردار سابق را ادامه می دهد؛ از طرفی تازه متوجه عمق مسائل و مشکلات عدیده شهر تهران شده است که با خوش بینی های اولیه وی در بسیاری موارد فاصله زیادی دارد، به نحوی که برخی بر این باورند امکان تداوم حضور ایشان تا پایان چهار سال امکان ناپذیر است. البته پیش بینی می شود که گزارش، شامل جمع آوری همین مطالبی که در این مدت در سطح رسانه ای گفته شده، به نظر ارائه شود!
 تذکر آقای «مسجد جامعی» (ضعف عملکرد مدیریت شهری در مواجهه با زلزله چند شب پیش و ضرورت ورود جدی شورا به آن) را می توان در چار چوب حس «مردمی بودن» رفتارهای یک عضو شورا تعبیر کرد و آنرا از زبانی مثبت نمود.
 تذکر خانم «فخاری» (تداوم حضور خودرو های دیزلی در شهر و ناکارآمدی سیستم نظارتی ۱۳۷) که چه صرفاً محدود به منطقه یک شهرداری می شد، اما می توان آنرا در چار چوب تذکر مفید ارزیابی نمود.
 یک اشکال اساسی در نحوه و کیفیت تذکرات اعضای شورای پنجم وجود دارد. به نظر می رسد آگاهانه یا نا آگاهانه سبتم و سوی برخی تذکرات به طرف دستگاه ها و نهاد هایی می رود که گرچه در جای خود درست و دقیق است، اما از حوزه اختیارات شورا خارج است. برخی بر این باورند که شورا تمایل و توانی برای «حساب کشی» و «نظارت» دقیق بر شهرداری ندارد، از این رو یکسان نظارت خود را به جای دیگری نشان می رود.
 دقیقاً به دلیل اتخاذ این رویکرد است که برخی آگاهان شهری، سرنوشتی شبیه شورا دوم (شورای ساکت و دنباله رو شهرداری) برای شورای پنجم تصور می کنند. به نظر می رسد که تأکید چند باره رئیس شورا مبنی بر اینکه «خدا و شکر تعداد تذکرات اندک است» تأییدی بر این استراتژی والیته رئیس شورا نیز در پدیده آفتاب این وضعیت نقش ایفا می کند.
 ب: گزارش رئیس اتاق بازرگانی تهران (۵:۵۵ دقیقه)
 فرصت صحن شورا شهر تهران از حیث ارتقاء و گذرایی واحد قیمتی بسیار بالاست. به نحوی که محاسبات نشان می دهد هر جلسه شورا میلیون ها تومان هزینه برای آن، از جیب مردم شهر تهران پرداخت می شود. از این رو، باید موضوعات و گزارش



ایرنا

آلودگی از آگروز خارج می شود نه پلاک خودرو!

مدیریت آلودگی هوا مقوله ای چند وجهی است که عوامل متعددی در آن دخیل است. استاندارد خودروها، کیفیت سوخت، حمل و نقل عمومی، معاینه فنی خودروها، مدیریت تقاضای سفر، برنامه ریزی شهری و کاربری اراضی و مدیریت ترافیک از جمله این موارد هستند.

اما نکته ای که طی سالیان اخیر در بحث آلودگی هوا به آن پرداخته شد تنها مسائل فنی بوده به طوری که نگاه صرف به مسائل فنی و تکنولوژی، گاه برنامه ریزان را از توجه به مسائل مدیریتی نظیر مدیریت تقاضای سفر، مدیریت ترافیک،

بارگذاری جمعیت در تهران و مدیریت کاربری اراضی غافل کرده است. بی توجهی به تمام مسائل آلودگی هوا احاطه شده با وجود ارتقای استانداردهای زیست محیطی خودروها و ارتقای کیفیت سوخت، کماکان مشکل آلودگی هوا همچنان در کشور نمایان باشد. در این میان بحث مدیریت تردد خودروها و ایجاد محدودیت های

مبتنی بر مطالعات رعایت عدالت و کاهش آلودگی هود، شهرهای یکی از مهم ترین بحث های مدیریتی کاهش آلودگی هوا است که در شهرهای مختلف دنیا اجرا می شود. راهکارهای ساده و زودبازده دم دستی نظیر زوج و فرد باعث شده که در تهران نه تنها مسأله آلودگی هوا حل نشود بلکه تمایل به

داشتن چند خودرو و استفاده از موتورسیکلت افزایش یابد آن هم بدون اینکه اقدام عملی برای کاهش آلودگی هوا صورت بگیرد! اگر در شهر تهران بتوان تردد خودروها را بر اساس آلودگی و مصرف سوخت مدیریت کرد می توان گفت یکی از اقدامات مغفول کاهش آلودگی هوا اجرایی شده است. اعتقاد کارشناسان بر این است که آلودگی

از آگروز خودروها خارج می شود و نه از پلاک خودرو. جاگزینی طرح ترافیک کنونی با یک طرح هوشمند مبتنی بر عدالت با هدف کاهش آلودگی هوا به نوبه خود طرحی درخور قدر دانی است که می تواند دستاوردهای مثبتی داشته باشد. از جمله

اینکه امکانات و تسهیلاتی را برای ساکنین منطقه در نظر گرفته است. از دیدگاه شهری و مسائل اجتماعی خالی شدن بافت مرکزی ناصر خسرو و پامنار و حوالی آن و تبدیل شدن منازل به انبارهای

مشاغل شیمیایی و لوازم خودرو و غیره از نکات منفی طرح قدیمی ترافیک تهران است و عملاً هیچ مسئولی، جسارت تغییر و تحول آن را نداشته است. به عبارتی طرح ترافیک کنونی بافت مرکزی

شهر تهران را از دیدگاه مسکنی متلاشی کرد. از دیدگاه عدالت اجتماعی نیز ضمن اینکه لازم است دسترسی افراد به این منطقه فراهم و تبعیض ها حذف شود، باید تسهیلات خاصی برای ساکنین

منطقه در نظر گرفته شود که در گزارش ها به آن اشاره شده است. اشاره به این نکات برای نخستین بار بسیار درخور توجه است زیرا اغلب تصمیم گیری های منطقه را تا به امروز کسبانی انجام داده اند که حتی یک روز هم در این منطقه زندگی نکرده اند! اما چندانکه باید در نظر گرفته شود:

۱- در حال حاضر عوارض خودرو و شهرداری برخلاف ریسکه دنیا است به طوری که خودرو نو عوارض بیشتری نسبت به خودرو کهنه تر می پردازد. همچنین عوارض خودروها بر اساس قیمت آنها است نه بر اساس تولید آلودگی و مصرف سوخت.

۲- با توجه به این اصل که آلوده کننده باید پناهی آن را بپردازد و رود به محدوده یا کالافاقت مختلف شهر باید متناسب با تولید آلودگی باشد که این امر نیازمند بازنگری اساسی در سیستم معاینه فنی ستنی کنونی است.

۳- شایسته است بخش های دیگر شهرداری مثل بهداشت دیگری که ترافیک و منظر شهر را از بین برده است نظیر ساخت و سازهای بی رویه و توسعه ناهمگون شهر بازنگری اساسی نمایند.

۴- توجه به آلودگی سیستم حمل و نقل اتوبوسرانی باید در اولویت بالای قرار گیرد تا سالت شهرداری در تحقق حمل و نقل عمومی که آلوده تحققی یابد.

«طهران شهر» بررسی می کند:

حضور شهر و ندان «دیده نشده» پایتخت در صحن شورا

حضور نمادین اسقف اعظم در صحن شورا

فرستی که اسقف اعظم از دست داد، مشکلات محلات مسیحی نشین باز هم دیده نشد!

حرف های قدیمی در ساختار جدید، گزارش اعضا از عملکرد ۱۲ ساله مدیریت شهری، اعضا خود دست به کار شدند!

کلی گویی در خصوص آینده شهر، فقدان راهکار مشخص در خصوص تغییر مسیر در آمد - هزینه شهر

تصویر دقیق زلزله پایتخت، نطق تاثیرگذار رئیس کمیسیون سلامت و محیط زیست

دو نکته برجست گزارش آقای معاون، پول نداریم، پروژه های عمرانی اولویت بندی می شود!

تبعیض در برخورد با معاونان آقای شهردار، یک بام و دو هوای شورا دو گزارش مشابه دو برخورد متفاوت!

آرزوی آقای رئیس برآورده شد، صحن بی تذکر!

راستی آزمایی از پروژه های در اولویت عمرانی، سه یادآوری مفید به آقای معاون!

جلسه سی و سوم.....

مربوط به ما، تقاطع ها و...، چالش های پیش روی، رویکرد ها جدید، اولویت بندی پروژه ها و مسائلی از این دست، بود. به گمان من شاید تنها نکته جدید و برجسته (شاید هم کلیت و جمع بندی) این گزارش، این بود که آقای معاون گفت: «محدودیت شدید منابع مالی داریم (یعنی پولی نداریم) و در نتیجه، ناگزیریم پروژه های عمرانی را اولویت بندی کنیم.»

به مانند بسیاری از جلسات شورا که معاونین در صحن حاضر می شوند، برخی اعضا شورا به «تجدید» و «په» به «گفتن برداشتند. از یکی از اعضا شورا، که اتفاقاً مباحث «اجوندار» و «محکم» را در این بخش مطرح کرد، پرسیدم، چرا اعضای شورا از ایشان تشکر می کنند؟ چرا از وی راجع به حوزه عمرانی و تعطیلی پروژه ها سوال نمی کنند؟ تفاوت گزارش ایشان با گزارش معاون معماری

و شهرسازی چه بود که همه اعضا به معاون معماری و شهرسازی شد بدانتقاد داشته و بهایشان ندانستند؟ پاسخ این عضو محترم شورا این بود: «گزارش آقای حاجی ساختار مناسبی داشت!» یعنی در واقع داشتن یک ساختار مناسب کفایت می کند تا مورد توجه اعضا قرار گیرد.

به نظر من، اعضا شورا به جای طرح مسائل کلی، باستی لیست پروژه های اولویت داری که وی اعلام کرد، دونه به دونه بررسی و از وی سوال می کردند بر اساس نیازهای واقعی شهر تهران نسبت به راستی آزمایی ترتیب این اولویت ها حساب کنی می کردند. البته باید گفت که دو، سه عضو شورا نکات قابل قبولی را مطرح کردند (مسجد جامع، توری و الوسری)، بنابراین، این بخش از دستور جلسه، مسأله ای از شهر تهران را حل نکرد.

در جلسه امروز، آرزوی آقای رئیس محقق شد و هیچ عضوی تذکر می نداشت!

ارائه شد. وی، در این نطق اعداد و ارقام در آمد و مصارف ۱۲ سال گذشته را به صورت مقایسه ای و با تفکیک اجزای آن ارائه نمود. آنچه «فراهانی» در این نطق ارائه کرد، در برگزیده مطلب جدیدی نبود و پارها توسط وی و سایر اعضا در گفتگو با رسانه های آن اشاره شده بود. شاید تنها تفاوت آن در این بود، که نویسنده متن تلاش کرده بود، آثار قابل و ساختار جدیدی ارائه نماید. برخی بر این باورند، حال که شهرداری تهران پنا ندارد، تصور بر مدنظر شورا از ۱۲ سال گذشته را ارائه کند، اعضا خود دست به کار شده اند و این مسأله را انجام می دهند. بنابراین، می توان گفت، نطق «جدید فراهانی» مسأله ای را از تهران حل نکرد و در عین حال، جز کلی گویی در خصوص آینده، راهکار مشخصی جهت تغییر مسیر در آمدی - هزینه ای شهر تهران ارائه نکرد. نطق پیش از دستور

خانم «صدر اعظم توری» با موضوع «یعنی در برابر زلزله» برگزیده تصویری دقیق و فنی از شرح مافوق زلزله هفته گذشته تهران بود. بنابراین، نطق خانم «توری»، هم مسأله شهر تهران بود و هم اینکه تصویری دقیق و درست از آنچه در آینده نیاز داریم، پیش روی ما گذاشت. گرچه، این نطق می توانست تمرکز بیشتری بر وظایف و مأموریت های شهرداری تهران نیز داشته باشد. از این رو، این بخش از دستور جلسه، واجد از نای مثبت تلقی می گردد.

ب- گزارش معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران (۹ دقیقه): به روال جلسات قبلی شورا، دکتر «حاجی» معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران در این جلسه به گزارش مأموریت ها و راهبردهای حوزه کاری خود پرداخت.

آنچه آقای معاون گفت، از حیث محتوا و ارزش کاملاً شبیه به آنچه بود، که چند هفته پیش معاون معماری و شهرسازی در صحن شورا ارائه کرد. گزارش وی، شامل ارائه ساختار تشکیلاتی معاونت، آمار

عایدن سی سالاری اسکر، سردر هفته نامه «طهران شهر»: جلسه سی و سوم شورا (۵۵ بانه) به دلیل حضور اسقف اعظم مسیحیان تهران، به مناسبت تولد حضرت عیسی (ع) تجربه متفاوت و جدیدی محسوب می شود. علیرغم همه انتقادهایی که به مسیر حرکتی (ریل گذاری) شورا وجود دارد، شورای پنجم از یک نقطه نظر، با داور پیشین خود تفاوت جدی دارد. در این

شورا، گروه های مختلف اجتماعی، مردمی، غیر دولتی، صنعتی و گروه های که صدای آنها شنیده نمی شود و بخشی از جامعه شهری تهران هستند، امکان حضور و بروز در صحن علنی و رسمی پیدا کرده اند. گرچه، آقای اسقف از فرصت حضور در شورا، برای طرح مشکلات عدیده همشهریان مسیحی استفاده نکرد، بنده، در بازدیدهایی که از محلات مسیحی نشین تهران داشته ام، موضوع مشکلات فراوان آنها را لمس کرده ام. به نظر می رسد، آقای اسقف

می توانست علاوه بر مسائلی که در سخنرانی خود مطرح کرد، به این موضوعات و مشکلات نیز پرداخته و به دنبال یافتن فصل مشترکی از همکاری باقیات شورا و مدیریت شهری برای حل معضلات این محلات باشد. حضور نمادین آقای اسقف و متن نطق پیش از دستور خانم «صدر اعظم توری» دو دستاورد جلسه «سی و سوم» بودند و سایر موضوعات و بخش های جلسه قابلیت ارزیابی مثبت نداشت.

الف- نطق پیش از دستور (۳۰ دقیقه): نطق «پیش از دستور» به عنوان بخشی از جلسه شورا، یک فرصت و امکان «نظارتی» در اختیار هر عضو شورا است. در جلسه امروز، نطق «جدید فراهانی» با موضوع: «وضعیت منابع و مصارف در آمدی شهرداری و لزوم تغییر پارادایم برای شهر تهران» با تمرکز بر نقد و رندارده شهر تهران در ۱۲ سال گذشته،

توس و اضطراب زلزله را چگونه می توان کاهش داد؟

رئیس اورژانس اجتماعی کشور با اشاره به اختلال اضطراب فراگیر به دنبال وقوع زلزله های اخیر، بر نقش روان شناسان و مشاوران در افزایش آرامش خانواده ها و لزوم اطلاع رسانی صحیح به آنها تأکید کرد.

حسین اسد بیگی اظهار کرد: در شرایط کنونی ترس از زلزله در میان خانواده ها همه گیر شده است و تماس ها و سوالات متعددی در این خصوص مطرح می شود. زلزله های اخیر تهران باعث شده است اختلال اضطرابی فراگیری ایجاد شود و حتی بسیاری از خانواده ها از محل زندگیشان نزد اقوامشان رفته اند. چرا که حضورشان در محلی که زلزله در آن رخ داد و یا حضور نداشتن در آن فضا برایشان دلبره آور شده است. این مسائل نشان می دهد مشاوران شناسان باید از طریق رسانه ها و خصوصاً صدا و سیما به مردم آموزش های لازم در خصوص حفظ آرامش را آموزش دهد.

وی تأکید کرد: در چنین شرایطی مسئولان ضمن آرامش دادن به مردم باید به دنبال اصلاح زیرساخت ها، نظارت بر ساخت سازه های جدید و استاندارد بودن آنها و مقاوم سازی بناهای قدیمی باشند. نه اینکه تنها با ارائه مطالبی که گاهی غیر تخصصی هم هستند موجب اضطراب مردم شوند. باید میدان را برای روانشناسان، مددکاران و مشاوران باز کرد تا آرامش به مردم بازگردانده شود.

سارا گلستانی روانشناس نیز در گفت و گو با ایستا گفت: در مواردی که دچار اضطراب شده ایم باید ابتدا دلیل آن را شناسایی کنیم. زلزله به دلیل غیر قابل پیش بینی بودن آن ایهام زیادی برای ما ایجاد می کند؛ به همین دلیل ما را مضطرب می کند. مسئولان باید در ارائه اطلاعات و توضیحات لازم به ما آگاهی و شناخت مردم را در برهه زلزله و اقدامات انجام شده بیشتر کنند و هم ایهامات و شایعات را از بین ببرند. مسئولان باید به مردم بیاورند چگونه از خود محافظت کنند.

وی تأکید کرد: من با این موضوع که اطلاعات زیاد مردم را مضطرب تر می کند، موافق نیستم؛ چون در شرایطی زندگی می کنیم که اگر اطلاعات درست و قابل قبول به دست مردم نرسد، اطلاعات نادرست جای آن را می گیرد. امروز باید گردن اطلاعات در شبکه های اجتماعی کار سختی نیست؛ به همین دلیل بهتر است اطلاعات واقعی و منطقی در اختیار مردم قرار گیرد؛ چون به آنها کمک می کند بر موضوع مسلط شوند.

این روانشناس با بیان اینکه زلزله پدیده ای است که بقا را به خطر می اندازد و به نیاز اولیه ارتباط داده به همین دلیل مضطرب می شوند، اضافه کرد: مردم برای کاهش اضطراب در زمان زلزله باید یاد بگیرند که هنگام وقوع چه کنند. آنها باید آمادگی های لازم را برای محافظت از خود پیدا کنند. علاوه بر آن می توانند مدیریت هیجان را تمرین کنند.

گلستانی با اشاره به اضطراب مفید هنگام پس از وقوع زلزله گفت: اضطراب مفید کمک می کند حوادث را مدیریت کنید، اما اضطرابی که مانع کسب کردن و مدیریت شود غیر واقعی است و بهتر است برای بهبود آن به مشاور مراجعه کنند. اما هنگام وقوع زلزله، بخشی از شیوه روبرو شدن با اضطراب ناشی از آن به پیشی فرد به زندگی، سنن و شرایط بستگی دارد که نمی توان آن را تغییر داد. از آنجا که مردم است زلزله زمانی اتفاق بیفتد که آمادگی آن را ندارند، باید ذهنمان آماده باشد.

که ممکن است هر لحظه با آن روبرو شویم و باید آن را به عنوان پدیده ای طبیعی بپذیریم. مانند هر اتفاق دیگری که ممکن است برای ما پیش بیاید. چون در شهری زندگی می کنیم که ساهلهاست درباره این موضوع صحبت می شود، باید پدیده ای طبیعی محسوب شود.

مطابق با رویکرد فرهنگی مان برای بررسی مسائلی موجود در مناطق، اینبار قرعه کار به نام منطقه ۱۳ شهرداری تهران افتاد... اگر چه طبق برخی روایات ها و اعتقاد های همیشگی، ۱۳ عددی خوش یمن نیست، اما منطقه ۱۳ از جمله مناطق خوب و برجسته شهر تهران است که اگر برخی مشکلات حاشیه ای و ریز و درشت آن مر فوع شود، هنوز زیبایی و آبادانی های منحصر به فرد خود را دارد که می تواند مورد توجه قرار گیرد... جمع بندی حضور و بررسی میدانی تیم خبری هف نام «طهران شهر» حکایت از شرایط ایده ای دارد که وقتی با نظرات و در دو دل های اهالی برخی از محلات محروم تر پیوند زده شد، کارنامه و برنده نسبتاً خوبی از آن به دست آمد... اما این کارنامه اگر چه از نمره قبولی بر خور شد، اما معضلات ریشه ای برخی محلات، امتیازات منفی زیادی را ارائه این کارنامه کرد که با برجسته سازی آنها می توان بر ونده نهایی را در وضعیتی مثبت و به سمت نمره منفی ارزیابی کرد. در این ارتباط گفت و گویی با «بهشتی» دبیر شورایاران منطقه ۱۳ انجام دادیم که محور های اصلی این گفت و گو در ادامه می آید...

بررسی معضلات و راهکار های حل مشکلات شهری در منطقه ۱۳

و حالا... شرق بهشت!

منطقه ۱۳ با داشتن چهار هزار و ۷۶۲ بلاک فر سوده (مساحتی حدود ۷۳ هکتار) از این نظر دچار مشکلات عدیده ای است؛ از آنجا که طبق بر آورد های انجام شده، ۶۱ درصد از مساحت جغرافیایی منطقه در اختیار خانه های سازمانی و با دگان های نیروی هوایی، ارتش و سیاه بوده امکان نوسازی و باز سازی حجم عظیمی از املاک فر سوده وجود نداشته و با وجود پیگیری مستمر، این روند در مجموع به کندی پیش می رود. انتقال این یادگان به خارج از شهر و یا حتی آزاد سازی بخش هایی از زمین آن می تواند برای احداث بوستان فضایی سبز مناسب، ایستگاه آتش نشانی، سوله بحران، اماکن ورزشی و... به کار آید. در این زمینه بیش از ۱۰ سال است که رابرتی و پیگیری های مستمری انجام شده است حتی مکاتباتی نیز با دفتر مقام معظم رهبری، ارتش، ریاست جمهوری و... صورت گرفته است تا حداقل با آزاد سازی بخش هایی از آن، مشکلاتی از دوش منطقه برداشته شود.

تمام مشکلات منطقه ای به صورت محله ای و موردی احصا و در قالب بک گزارش جامع در صحن علنی شورای شهر تهران ارائه شده است. که امیدوار هستیم اعضای جدید شورای شهر تهران به این گزارش رجوع کرده و محور های مورد اشاره و مصوبات جلسه فوق را محور کار قرار دهند. تمام مسائل حاصل جمع بندی مردم محل، شورایاران محلات، مراجعات مردمی در مساجد و... بوده که اگر مورد بررسی و محور کار قرار گیرد، رفع رجه در کدام از آنها می تواند برکتی در خدمت رسانی در حق مردم باشد که ضمن تقدیر از شهر دار سابق این شهردار جدید منطقه و اعضای شورای شهر تهران، تقاضا داریم که در زمینه پیوست مربوط به مشکلات اهالی منطقه، عنایت بیشتری به اهالی داشته و به حجم وسیعی از این معضلات رسیدگی کنند.



مشکل دیگر و مهم منطقه که در پیوست های مختلف به آن اشاره شده است، کمبود فضای سبز در سطح محلات است. پارک ملی سیر خه حصار نیز گرچه در محله موجود بوده اما قابل دسترس نیست و استفاده برای تمام محلات نبوده و از تمام نقاط تهران به این پارک می آیند. نبود فضای ورزشی، سوله بحران، وجود تعداد زیادی منازل مجردی از مهمترین چالش های موجود در محله شهید «اسدی» و «صفا» بوده که نیازمند بررسی و پیگیری است.

وجود بایانه شرق و ضرورت انتقال آن به جایگاه جدید، از مهمترین پیگیری های صورت گرفته در سطح منطقه به حساب می آید. با توجه به وجود خانه های مسکونی متعدد در اطراف این تر مینال، اهالی ساکن با معضلات آلودگی صوتی، هوا، ترافیکی و مشکلات متعدد دیگری روبرو هستند که در این زمینه استشهاده و نامه های مکتوبی ارائه داده اند. اگر چه در این زمینه اخبار خوبی مبنی بر انتقال این به گوش می رسد اما لازم است باز در این زمینه از مسئولان تقاضا کنیم که کار انتقال و جایه جایی را در اسرع وقت انجام دهند تا مشکلات چندین و چند ساله اهالی مر رفع شود.

۵

از آنجایی که مشکلات هر کدام از محلات به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته و در قالب یک پیوست جامع به شورای شهر تهران ارائه شده است باید اعلام شود که به عنوان نمونه محله «شورا» هیچ گونه مرکز نفر یعی - رفاهی، فضای سبز، سوله بحران، ایستگاه آتش نشانی، میدان میوه و تره بار ندارد. محله نشینان برای استفاده از بل عابر پیاده در ایستگاه «پور بحان» مشکلات و ناراحتی های زیادی دارند؛ ترافیک سنگین به علت وجود ایستگاه مترو می شهید «کلاهدوز» و خیابان شهید «سربی» از مهمترین درغدغه های اهالی محله «حافظیه» بوده و کمبود فضای سبز و مجموعه های خدماتی و تفریحی از نیاز های اصلی اهالی در محله «امامت» است.



تعریف خیابان «پیروزی» یکی از مهمترین در خواست اهالی و شورایاران از مسئولان است. اگر چه کار تعریف این خیابان در مراحل نهایی به سر برده و پیش از ۹۰ درصد از آن تعریف شده است اما تعریف کامل آن نیازمند حمایت و بودجه بیشتری است که در خواست آن به شورای شهر تهران ارائه شده است. هم سطح سازی پیاده رو های سطح منطقه از جمله محله «پیروزی» که البته در تمام منطقه این معضل به چشم می آید، یکی از موضوعات مهم و قابل پیگیری بوده که باید برای تردد هر چه بهتر و راحتی مردم منطقه اقداماتی انجام شود. متاسفانه معابر خیابان و کوچه ها نه تنها برای تردد و رفت و آمد افراد معلول و سالمندان مناسب نیست، بلکه امکان تردد و پیاده روی افراد عادی جامعه مثل کودکان و بانوان نیز مقدور نیست. این معضل در سطح منطقه نیازمند توجه جدی است که لازم است سازندگان و مهندسان ناظر به این موضوع بیشتر توجه کنند.

۶



احداث زیر گذر مواصلاتی از انتهای خیابان «پنجم نیروی هوایی» و «یا ۲۱» مترو دهقان، به خیابان دماوند یکی از ضروری ترین طرح های موجود در منطقه بوده تا از این راه، جهت رفع معضل ترافیکی و تردد اهالی به خیابان دماوند اقدام شود. که اعضای شورای شهر تهران در حاشیه باز دماوند قول دادند نسبت به این معضل ترافیکی اقداماتی را انجام دهند که از شورای شهر و شهرداری می خواهیم تا نسبت به این موضوع اقدامات اساسی و جدی بیاورند. کمبود پارکینگ عمومی در محور مراکز خرید مثل خیابان دهقان و پیروزی محلات زیادی را درگیر کرده و ترافیک کرده است که احداث پارکینگ های محله ای و طبقاتی می تواند حجم زیادی از مشکلات پیش رو را مرتفع سازد.



منطقه ۱۳ از نظر بحث های فرهنگی، اجتماعی، خدمات رفاهی - اجتماعی، زیست محیطی - کالبدی از امتیازات خوبی بر خور دار است که اشاره نکردن به آنها می تواند دور از انصاف باشد. هویت منطقه ۱۳ همچنان به گونه ای است که ضمن حفظ بافت سنتی و مذهبی خود، از آن به عنوان پیشگامان انقلاب اسلامی یاد می شود. وجود سراهای محله، کتاب خانه های عمومی مساجد، هیات های مذهبی، حسینیه ها، انجام فعالیت های مذهبی و قرآنی از امتیازات خوب منطقه محسوب می شود که همیشه مثال زدنی است. وجود پارک ملی «سرخه حصار» به عنوان قطب اصلی گردشگری در سطح پایتخت، وجود مراکز درمانی و بهداشتی مثل بیمارستان های «لواسانی» و «فجر» و بناهای تاریخی و قدیمی مثل «قصر فیروزه» و «ایستگاه های دوجر خه از مهمترین امتیازات و نقاط برجسته این منطقه به حساب می آید. دو خیابان «پیروزی» و «دماوند» به عنوان دو محور حرکتی مهم در شرق تهران به حساب می آید و بازار «شهرستانی»، مراکز خرید واقع شده در محدوده خیابان «پیروزی» و «دهقان» و... به عنوان اصلی ترین امکانات مثبت در سطح منطقه قابل ذکر هستند. که البته در این محور های اصلی نقاط ضعف و مشکلاتی نیز وجود دارد که نیازمند رسیدگی هستند.

تهران سوری‌هاست آسیب‌های اجتماعی است

مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری تهران گفت: استان تهران سوری‌هاست. آسیب‌های اجتماعی است که باید برای این مشکل راه‌حل‌های تأثیرگذار و کارساز وجود داشته باشد. ثریا شارق‌ری در مورد حمایت از زنان آسیب‌دیده اظهار داشت: در شهر تهران زنان و دخترانی وجود دارند که به دلیل بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها هیچ مکانی برای زندگی سالم ندارند. وی گفت: شهرک زنان آسیب‌دیده می‌تواند مکانی برای حمایت و بازتوانی بانوان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب باشد که در آینده‌ای نزدیک ایجاد خواهد شد.

شارق‌ری بانوان آسیب‌دیده را نیازمند مکانی همراه با امید دانست و بیان داشت: برخی از زنان و دختران به دلیل مشکلات اقتصادی، اعتیاد، آزادی از زندان و عدم مکان مناسب برای زیستن، دختران فراری، کارکن خواب‌ها، زنان بید سرپرست و بی‌سرپرست و... که خانواده و جامعه پذیرای آنان نیستند به مکانی امن برای بهبود وضعیت زندگی خود می‌باشند. وی خاطر نشان کرد: به سرعت فضای اجتماعی در سطح جامعه در حال تغییر است و در شهر تهران ساختاری که برای اصلاح تغییرات نیاز است وجود ندارد. مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری تهران در مورد آسیب‌های اجتماعی گفت: متأسفانه استان تهران سوری‌هاست. آسیب‌های اجتماعی است که باید برای این مشکل راه‌حل‌های تأثیرگذار و کارساز وجود داشته باشد.

شارق‌ری با اشاره به مددسراها و نوجوه فعالیت آنان مطرح کرد. توسط گفت‌شهرداری و گاهی به صورت داوطلبانه، زنان بی‌خانمان، معاند، کارکن خواب و... به مددسرا منتقل می‌شوند که از شب تا صبح وظیفه نگهداری از آنان را دارد. در این راستا خلأ وجود دارد که این بانوان از صبح تا شب مکانی برای استقرار ندارند. وی ادامه داد: سازمان سراسری نیز در پیگیر کار مراکز نگهداری برای افرادی است که هیچ‌کس آنان را پذیرش نمی‌کند و معمولاً دارای بیماری‌های روحی، روانی و جسمی هستند. این افراد به صورت دائم در این مکان‌ها پذیرش می‌شوند.

مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری تهران گفت: در این مکان‌ها افرادی از سن ۱۸ سال تا میان‌سال نگهداری می‌شوند که از نظر روانی فضای مطلوبی نیست؛ همچنین یک حلقه مفقوده بین مددسرا و سازمان سرو وجود دارد که شهرک حمایت از زنان آسیب‌دیده می‌تواند این خلأ را پر کند. وی توانمندسازی، اشتغال‌زایی، کارآفرینی، خدمات پزشکی و سلامت، تفریح، آموزش، فرهنگ‌سازی و... را از جمله خدمات شهرک حمایت از زنان آسیب‌دیده اعلام کرد.

شارق‌ری در ادامه با تأکید بر افزایش امید به زندگی اذعان داشت: بانویی که خانواده پذیرای او نیست و یا اینکه به هر دلیلی شرایط زندگی در منزل را ندارد بجز او آوارگی می‌تواند در این شهرک پذیرش شود و آموزش‌های لازم، افزایش امید به زندگی و استقلال مالی برای بهبود وضعیت زندگی خود تلاش کند. وی با اشاره به نگهداری از فرزندان زنان آسیب‌دیده گفت: در این شهرک مهدکودک برای نگهداری از فرزندان افرادی که پذیرش نمی‌شوند، یاد خواهد بود و همچنین فضای مناسب برای اشتغال زنان فراهم می‌شود.

مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری تهران افزود: باید شرایط را از نظر روحی برای این افراد فراهم کنیم. ما توانیم با ایجاد هم‌فرازی و متمرکز کردن همه خدمات در این مکان از سرگردانی زنان آسیب‌دیده جلوگیری کنیم. وی در مورد جلوگیری از رشد فساد خاطر نشان کرد: باید به عنوان دولت جوان‌پو و شایسته و مشکلات زنان را رفع کنیم. زمینه پذیرش و زندگی مطلوب آنان را ایجاد نماییم در غیر این صورت فساد خواهد داشت.

گزارش «طهران شهر» از مشکلات و چالش‌های محله «اسدی»

محل امن خرابکاران تهران!

حاصل کاربلدها؛ شاهراهی که بسته شد

صفا و امنیت از ممله «صفا» رفت

نانی که آجر شد

«عباس حمزه» عضو شورای محله «اسدی» با اعلام کساد شدن کار و کاسبی محدود میدان «امام حسین (ع)» و تعطیلی بسیاری از مغازه‌های موجود در پاساژها ادامه می‌دهد: بسیاری از کسبه و بازاری‌های محدوده خیابان «هفده شهر یور» از کار و کاسبی افتادند و حتی به تعدادی از مالکان نمایشگاه خورد نیز انگ‌هایی چسباندند و آنها را بیکار یا مغازه به دوش کردند و تعدادی از کسبه نیز در محدوده مسکونی خیابان «پرانمهر» مستقل شدند که کاسبی شان در این محدوده نیز رونق ندارد. این در حالی است کسبه به کرات و دفعات در مورد این فعل و انفعالات و تغییر و تحولات اعتراض کرده، نامه نگاری کرده و استشهادهای محلی جمع‌آوری کردند و هر بار نیز بدون نتیجه دچار بلا تکلیفی شده‌اند... در واقع مردم و کسبه از اجرای این طرح شهری بی‌اصول، ضربه خورده و دچار معضل شدند... اعمال محدودیت‌های بی‌مورد برای اهالی!

تابلوی طرح ترافیک

زوج و فرد با چه نیتی؟

وی با اشاره به محدودیت‌های دیگر ایجاد شده برای اهالی ساکن در محله شهید «اسدی» یاد آور می‌شود: «تصمیم دوربین‌های طرح ترافیک و زوج و فرد در سر چهار راه اهالی را سر درگم کرده است. محله ما که بن بست بوده و راه ورودی برای افراد خارج از محله و منطقه وجود ندارد، چرا با نصب دوربین‌های بی‌مورد، راه را بر روی اهالی هم بسته‌اند؟ اهالی ساکن در خیابان‌های فرعی مثل «اقبال»، «مرنجانی» و «نارالله» برای تردد از خیابان‌ها ناچار هستند که پلاک خودروهای خود را بپوشانند یا محدودیت‌های زیادی در تردد مواجه باشند. در حالی که این موضوع تنها برای افراد ساکن در محله معضل ساز است و ترددی از سوی محلّات دیگر انجام نمی‌گیرد. از شهرداری تهران، اداره راهنمایی و رانندگی درخواست کرده‌ایم تا نسبت به حذف این تابلوها اقدام کنند. اما هر کدام موضوع را به دیگری حواله داده و ما را با این مشکل رها کرده‌اند. اگر محله بن بست نبوده و راه برای تردد سایر خودروها وجود داشت، ضرورت اعمال مقررات ترافیکی بر کسی پوشیده نبود. اما در حال حاضر رعایت این قوانین از سوی اهالی ساکن بسیار دشوار و بی‌مورد است.»

آرزوی اهالی

برای رسیدن به

فضای سبز و پاتوق امن

محله شهید «اسدی» با داشتن معضلات بسیار از فضای سبز و فضای ورزشی مناسب هم برخوردار نبوده و اهالی با این ایلها روبرو هستند که چرا تنها سهمشان از خدمات شهری و رفاهی، معضل، کاستی و اجرای طرح‌های شهری بدون برنامه بوده است... «محله شلوغ است... با آنکه بن بست زندگی می‌کنیم، اما جمعیت ساکن و شناور و محله بسیار زیاد است. وقتی شاخص‌های آلودگی هوا و وضعیت آن را می‌بینیم، محله «امام حسین» همیشه بدترین محله در تهران است. محله درست شبیه خوابگاهی شده که کارایی دیگری ندارد. پارک و فضای سبز ندارد. تنها پارک موجود پارک «خیام» است که واقعا برای اهالی به خصوص جوانان و سالمندان راه دوری دارد و اصلاً جز محله شهید «اسدی» محسوب نمی‌شود. محوطه میدان «امام حسین (ع)» هم فضای سبزی ندارد که اگر چه اگر به این امکان مجهز هم بود، به محل تردد و پاتوق خلأفکاران تبدیل می‌شد... «حسن کاهنه» دبیر شورای محله «شهید اسدی» که ۱۵ سال است دبیر شاخص‌های آلودگی است، می‌گوید: «محله ما پاتوق امن برای اهالی ساکن است. این در حالی است که محله اسدی حتی یک متر فضای سبز نیز وجود ندارد. اگر دبیران شورا ادعا در مورد مشکلات صحتی می‌کنند و تقاضاهایی دارد، تنها حرف شهر و ندان است و توقع شخصی ندارند. محله علاوه بر فضای سبز به یک پاتوق امن برای سالمندان نیاز دارد. روزی نیست که اهالی قدیمی از ما نخواهند که پاتوق در محله ایجاد شود. جمعیت و به سالمندی است و سالمندان باز نشستگان به فضای خوبی برای استراحت و کپ و گفت نیاز دارند.»

اهالی ناراضی

کاسب ناراضی، خداراضی!

زمانیکه سوژه انعکاس صدای محلّات منطقه ۱۳ به محله «شهید اسدی» می‌رسد، می‌بینیم که کارنامه‌ی محله با تمام قدمت و مردمان آبرومندی که دارد، چندان درخشان نیست. جزیره کوچکی به نام محله «شهید اسدی» تقدیر در گبر معضل و چالش است که اشاره مستقیم به یکی از آنها می‌تواند، مخاطب را به اصل موضوع یک باند... طرح‌های عمرانی و ترافیکی انجام شده در سال‌های اخیر، این محله را فارغ از اصولی بودن یا نبودن طرح‌ها، دچار محدودیت‌های زیادی ساخته است. این طرح‌های بزرگ و کوچک، اگر چه از ابتدا کمر به حل مشکلات مردم و حل آسیب‌ها بسته بودند، اما هر کدامشان به تنهایی مشکلات عدیده‌ای را برای اهالی به ارمغان آوردند... اهالی ناراضی، کاسب ناراضی، رهگذران ناراضی... با هر کدام از اهالی که صحبت می‌کنیم از وجود معضلات پیشماری رنج می‌برند... تمام این نارضایتی‌ها باعث شده که اهالی قدیمی محله «شهید اسدی» کم‌کم فرار از فرسار تر جیب داده‌ها و محل رفتند. در عین حال خانه‌هایشان را به افراد غیر بومی، افغانی‌ها و مهاجرانی گرایه دادند که همراه با خودشان به تمام معضلات اضافه کردند. بن بست بودن محله به نفع افرادی شد که شرایط فعلی را بر این منافع خود دانسته و از این طریق به سود رسیدند... مواد فروشان، خفت‌گیرها، سازقان و حتی تر فروشان... محله امنی دارند... محله «شهید اسدی» خواسته یا ناخواسته به محیطی امن و مساعد برای رشد قاچ و گناه و مضاعف آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی تبدیل شده و در صورت عدم خروج محله از وضعیت بن بست و جز برآی، آینده نه چندان خوبی در انتظار محله خواهد بود... «در چند سال گذشته کارهای زیادی در محله انجام شد... از یک طرف میدان امام حسین (ع) از هر طرف بسته شد... مغازه‌داران زیادی ورشکست شدند... راه‌های اصلی به روی اهالی بسته شد... دادلتن بخواهد کارهایی انجام شد که هیچ منفعتی برای مردم نداشت... بعد از آن حتی بررسی نکردند که ببینند مشکلات مردم و نارضایتی‌ها پیشان به چه دلیل است... فقط پول خرج کردند که به مردم فشار وارد نکنند؛ ابتدا فکر می‌کردیم که اقدامات مفیدی انجام می‌شود، اما دروغ از سر سوزن فکر و مصلحت‌اندیشی...»

بستن شاهراهی که

به ضرر مردم تمام شد

«عباس حمزه» عضو شورای محله «اسدی» در گفت و گو با خبرنگار «طهران شهر» با اشاره به اقداماتی که در محدوده خیابان «هفده شهر یور» و میدان «امام حسین (ع)» در سال‌های پیش انجام شده بود، تأکید می‌کند: با آنکه سالها از بسته شدن شاهراه غیر اصولی میدان «امام حسین» که راه ارتباطی با میدان خراسان، تهرانپارس، انقلاب و شوش بود می‌گذرد، اما هر سال در تمام فرصت‌ها و تریبون‌ها اعلام می‌کنیم که این اقدام کارشناسی نشده بوده و به ضرر مردم تمام شده است؛ زمانی که کلنگ این اقدام زده شد و شورایاران در جریان کم و کیف کار قرار گرفتیم، با مهندسین و مشاوران این طرح گفت و گو کرده و در مورد معضلات آن را بررسی کردیم و در نهایت با گفتن این جمله که کارمان را بله هستیم، کار را شروع کرده و راه‌پله روز این همه معضل برای محله ایجاد کرده‌اند. اگر چه با پیگیری و خون دل خوردن شورایاران، مسیر «صفا» تا «میدان شهدا» باز شده، اما بسته بودن باقی مسیر و راه‌های دسترسی دیگر به میدان، در دسرهای زیادی را ایجاد کرده است. هنوز از مجریان این اقدام سوال داریم که چرا به ما شورایاران که نسبت به بافت محله آشنایان داشته و میزان آشنایان بسیار زیاد است، توجهی نکردند و به اجرای کاربردن اصول اصرار دارند؟ مردم هم تمام اعتراضات را جلوی دید شورایاران می‌گذارند و انگشت اتهام را قبل از همه به سمت ما دراز می‌کنند در حالی که ما قدرت اجرایی نداشته و تنها نسبت به انعکاس مشکلات اقدام می‌کنیم.»

محله «اشراقی»

در تصرف خانه‌های مجردی

حوالی ساعت ۵ عصر به بعد، حال و هوای میدان «امام حسین (ع)»، ابتدای خیابان «هفده شهر یور» و برخی از کوچه‌های کوچک‌ها زمین تا آسمان با حال و هوای صبح متفاوت می‌شود... دسته دسته از مردان افغانی سرو و کله‌شان پیدا شده و انگار قرار ملاقات با هم شهری‌هایشان را در این میدان می‌گذرانند... جمعه‌ها که محله پاتوق افغانی‌هایی که می‌شود که تمام مناطق تهران برای دیدن دوست یا آشنای خود راهی این میدان و محله می‌شوند. اهالی می‌گویند... «محله‌ای که سالهای زیادی محل تردد افراد بومی و قدیمی بود، حالا دیگر محل تردد و زندگی افغانی‌ها شده است. بسیاری از خانه‌ها مجردی شده‌اند و خانه‌های بزرگ نیز به چندین اتاق تبدیل و محل زندگی افغانی‌ها یا افراد مجرد شده‌اند... خانه‌هایی که باید یک ساله گرایه شوند، به زنان برای سه تا ۵ ماه گرایه داده شده و آنها ادعا در محله در حال عوض کردن خانه و خانه به دوشی هستند... شبی نیست که در این خانه‌ها صدای جیب و داد و پاساز و آواز نشنویم... محله دیگر چندان صفا و لطف سابق را ندارد...»

افزایش مشکلات ساکنان محله «اسدی» با پروژه های بی فایده شهری

نانی که از سفره کاسب های محله «اسدی» رفت

ساکنان محله شهید «اسدی»؛ در بن بست زندگی

بازارچه «شهرستانی»

رسیدگی می خواهد!

«همت الله خانجانی» عضو شوراییاری محله «شهید اسدی» نیز در گفت و گو با خبرنگار ما با اشاره به معضل نداشتن سوله بحران در محله و ضرورت احداث آن تاکید می کند: چند سال پیش تنها سالن ورزشی محله به نام شهید «علوی» همزمان با احداث اتوبان «امام علی ع» از دسترس محله و بچه ها خارج شد در حالیکه احداث یک سوله بحران می تواند به صورت چند منظوره بهره برداری شده و فضای مناسبی نیز برای بازی و ورزش بچه ها باشد. با احداث این سوله بسیاری از مشکلات محله مرتفع خواهد شد. در این ارتباط پیگیری های زیادی نیز انجام شده و مکان مناسبی هم در نظر گرفته شده است. اما متأسفانه کار بدون نتیجه رها شده و خبری از پیمانکار مر بوطه نیز نیست. اگر از اهالی محلات دیگر در مورد تنها بازارچه محله شهید اسدی سوال کنیم، بدون شک برای یک بار، گذر شان به بازارچه «شهرستانی» افتاده است... این بازارچه قدیمی به تنهایی محله را به تمام اهالی بومی و غیر بومی شناسانده است. «خانجانی» عضو شوراییاری می گوید: «با وجود اهمیت این بازارچه که تمام اقلام اساسی و غیر اساسی در آن عرضه می شود، یک پارکینگ مناسب برای تردد و پارک خودروها وجود نداشته و تمام کوچه های اطراف را درگیر ترافیک و معضل پارک کرده است. نبود پارکینگ نیز باعث پارک دوبله ای خودروها و ایجاد نا به سامانی در محله شده است. معضل سد معبر، عدم رعایت نظافت، فراوانی موش نیز باید به این معضلات اضافه شود. اگر چه نسبت به طعمه گذاری در معابر اقدام می شود، اما این معضل همچنان نه تنها در محله، بلکه در تمام محلات به قوت خود باقی است که ضرورت دارد از این موضوع و سایر معضلات نام برده با توجه به اهمیت بازارچه «شهرستانی»، مورد توجه مسئولان قرار گیرد.»

تأثیر روانی حضور

معتادان به روی جوانان!

معضل امنیت محله از مهمترین چالش های پیش رو میان اهالی این محله و حتی محلات همجوار است. به طوری که اهالی و نمایندگان امین مردم در شوراییاری در این ارتباط اعلام خطر کرده و هشدارهایی را داده اند... «عباس حمزه» عضو شوراییاری محله شهید «اسدی» میگوید: هر بار که در مورد امنیت محله صحبت می شود، قول و قرارهایی به اهالی داده می شود، در حالیکه اگر از همان ابتدا، جلوی پیشرفت برخی آسیب ها گرفته شده بود، الان شاهد این همه معضل در محله نبودیم. محله ما به تنهایی به خاطر تمام معضلاتی که دارد به یک کلانتری مجزا نیازمند است، اما وعده داده شده که برای محله ما «زاهد گیلانی» کلانتری مجزایی در نظر گرفته شود. تعداد کیوسک های کلانتری در منطقه ۱۳ بسیار محدود است و جوابگوی این همه از مشکلات نیست. وی ادامه می دهد: «یکی از دلایلی اصلی که باعث عدم پیگیری موثر و مرتب مشکلات شده است، تغییر و تحول در بدنه شهرداری است. شهرداران نواحی و مناطق دستخوش تحول و تغییرات زیادی می شود و شهرداران جدید زمانی تغییر می کنند که به محله اشراف می یابند و تسلط شهردار بعدی به ناحیه و محلات بسیار کم می شود. این در حالی است که محلات از جمله محله «اسدی» به پیگیری و بررسی طولانی مدت نیاز دارد. متأسفانه در طول فعالیت در شوراییاری، با هر کدام از شهرداران نواحی و مناطق در مورد نبود فضای ورزشی مناسب، نامه نگاری و رایزنی داشته ایم، اما هر زمان با در های بسته روبه روی شویم. متأسفانه کودکان و نوجوان ساکن در محله با نداشتن محلی برای تخلیه انرژی و بازی، صحنه هایی از حضور معتادان در بلوار اصلی شهر را تماشا کرده و تأثیر بدی روی ذهن هایشان دارد. جایی که برای گذراندن اوقات فراغت ندارند. در عین حال با تصاویری از معضلات هم روبه رو هستند... نبود فضای ورزشی می تواند برای این آینده سازان هم خطرناک باشد و آینده آنها را با معضل روبه رو کند. خانواده ها توان و فرصت رفتن به محلات دیگر را نداشته و بچه ها به صورت مسلم از بسیاری حقوق اولیه برای بازی و تخلیه انرژی محروم هستند... بیش از این اجازه ندهیم که به محله شهید اسدی ظلم شود.»

۵۰ درصد محله؛ فرسوده

وی ادامه می دهد: یکی از اولویت های محله معضل بافت فرسوده است که متأسفانه بیشترین میزان آن در منطقه، به محله شهید «اسدی» اختصاص دارد. حدود ۵۰ درصد از محله بافت فرسوده است و مدیر عامل سازمان نوسازی و شهرداری منطقه نیز با بازدیدهای میدانی انجام داده، نسبت به آن اشراف دارد. اگر چه دفاتر سازمان نوسازی در محله فعال و پای کار هستند، اما بیسته های تشویقی موجود چندان قوی نبوده و سازندگان یا مالکان چندان راغب به ساخت و ساز یا ترمیم نیستند. در عین حال با وجود این معضل و برآورد فعلی از وضعیت استحکام ساختمان ها، محله به سوله بحران مجهز نبوده و در این ارتباط رایزنی های زیادی شده است. در کنار تمام رایزنی ها برای حل این معضل گریه های زیادی کردیم مبنی بر اینکه خطر نزدیک تهران است و زلزله خبر نمی کند، اما متأسفانه هیچ کدام از دلواپسی های مادران این ارتباط دیده نشده است!

برقراری امنیت برای

حیات معتادان در محله!

بر اساس این گزارش، به جرات می توان گفت وقتی صحبت از آسیب های اجتماعی در محلات می شود، محله «امام حسین ع» از آسیب پذیرترین محلات شهر تهران است... نام این محله میان تمام کارکنان خواب ها، معتادان، خفت گیوان، مواد فروشان، به عنوان بهترین محله از نظر امنیت یاد شده و دست کم هر کدام از سابقه داران، یک شب یا یک روز از عمر شان را در این محله خاطره خوش داشته اند. اگر معتادان «هرندی» و «دروازه غاز» هر از چندگاهی گذر شان به محلات دیگر می افتد، در محله «امام حسین ع» با راحتی بیشتر و بدون احتیاط تردد دارند. حالا این روزها با بسته شدن محدوده «امام حسین ع» و قفل شدن محله، کلکسیون آسیب های اجتماعی در این محل کامل تر شده و زندگی امن تری برای بسیاری از افراد فراهم شده است... «ما به خاطر نداشتن پول اجازه خانه نتوانستیم از محله برویم... تمام همسایه ها رفتند، این خانه بقلی ۱۳۵ متر بود. الان خوابگاهی برای ۱۲ نفر شده است. داخل خانه به اتاق های زیادی تبدیل شده و حداقل ۱۰ نفر در آن زندگی می کنند. حتی خانه ها به زنان هم گریه داده شده. صبح تا شب صدای داد و ناله می شنویم... صدای رقص و آواز، فحش و کتک کاری، امانت ان را برنده اند. اصلا به یاد ندارم قبلا محله را انقدر متفاوت دیده باشم... باعث وبانی اش هر کسی بود خدا جوابش را بدهد...!»



چرا ترک اعتیاد «زنان» سخت تر از مردان است؟

یک درمانگر و پژوهشگر اعتیاد، زنان را قربانیان اعتیاد خواند و گفت: زنان مقاومت کمتری نسبت به مردان در برابر آسیب‌های ناشی از مواد مخدر دارند و همچنین مدت زمان اعتیاد و وابستگی کامل آنان از اولین مصرف بسیار کوتاه‌تر از مردان است.

دکتر موسان نارنجیها «زنان» را قربانیان اعتیاد نامید و گفت: هنوز آمار دقیقی از تعداد زنان معتاد نداریم اما آنچه در شیوع شناسی مطرح شده است زنان ۹ درصد جمعیت آمار معتادان کشور را تشکیل می‌دهند. وی افزود: شیوع اعتیاد در مردان بسیار بیشتر از زنان است اما به لحاظ فیزیولوژیک که مرتبط با جنس است، زنان مقاومت کمتری نسبت به مردان در برابر آسیب‌های مواد مخدر دارند و همچنین مدت زمان اعتیاد و وابستگی کامل آنان از اولین مصرف بسیار کوتاه‌تر از مردان است. این در مانگیر اعتیاد ادامه داد: به دلیل ویژگی‌های جنسیتی مثل مشکلات جسمی و یا حمایت همسران و خانواده، درمان اعتیاد در زنان بسیار دشوارتر است در بیشتر مواقع همسر زن، معتاد و مصرف کننده است و چون این مصرف خانوادگی می‌باشد بنابراین در خان هم سخت‌تر می‌شود و نمی‌شود به راحتی آنان را از مواد جدا کرد. نارنجی‌ها در درباره نحوه درمان زنان معتاد گفت: در زمان زانی که اعتیاد دارند بنا توجه به اینکه تعدادشان از مردان کمتر است و دارای محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی و شخصی هستند، سخت‌تر است زیرا در اکثر موارد زن معتاد بسیار سخت به کلینیک برای درمان مراجعه می‌کند یا اگر بتواند به کلینیک بیاید ساعت‌های محدودتری را در اختیار دارد.

وی ادامه داد: همچنین نگاه جامعه و کلینیک به دو متفاوت است، زن سعی در پنهان کردن اعتیاد دارد و دوست ندارد کسی متوجه اعتیادش شود حتی در مواردی مصرف را برای مدتی کنار می‌گذارد اما وقتی به خانه می‌رود همسرش مجدد وی را تشویق به مصرف می‌کند و زن دوباره مصرف کننده می‌شود.

نارنجی‌ها بیان داشت: مراقبت از کودکان ممانی دیگر برای درمان زنان معتاد است. همچنین زنان نسبت به مردان احتمال کمتری دارد که از خانواده و دوستان برای ترک مواد حمایت دریافت کنند. لذا اینها از جمله مشکلاتی است که پیش روی زنان معتاد در حال ترک قرار دارد.

در مانگیر اعتیاد گفت: سن مصرف مواد در جامعه معتادان کشور بین ۲۲ تا ۲۴ سال است، سن اعتیاد زنان نیز در این جامعه آماری کمتر از میانگین مردان نیست. زیرا اغلب زنان معتاد در زندگی زناشویی به سمت مواد مخدر کشیده شده اند و تعداد دخترانی که قبل از ازدواج به اعتیاد کشیده شدند، زیاد نیست. نارنجی‌ها در بخش دیگری از سخنان خود افزود: متأسفانه شیوع مصرف چند ماده‌ای بین معتادان وجود دارد و در زمان آن سخت‌تر است، معمولاً در معتاد دچار ولع مصرف می‌باشند و به هر طریقی دوست دارد لذت برد و وقتی بین خودشان صحبت از انواع مواد می‌شود دوست دارند هر ماده‌ای را تجربه کنند و گاهی حتی ماده‌ای را مصرف می‌کنند تا اثر ماده قبلی را خنثی کند به عنوان مثال فرد شیفته روی می‌آورد، به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر، وی یادآور شد: البته این را باید بگویم کسانی که همزمان چند ماده مخدر باهم مصرف می‌کنند تعدادشان زیاد نیست و اغلب برای لذت بیشتر به سراغ این چند مصرفی می‌روند و معمولاً هم یک ماده غالب است. گاهی هم فرد معتاد از لحاظ اقتصادی به مشکل می‌خورد و پول کافی برای خرید ماده مصرفی خود ندارد و به سراغ ماده دیگری می‌رود.

نارنجی‌ها در پایان گفت: در شرایط فعلی گریزی جز اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر نیست و باید به مردم آموزش صحیح داد تا با برنامه صحیح و اصولی و مشخص به اهداف مورد نظر در مبارزه با این آسیب اجتماعی برسیم.

گزارش «طهران شهر» از مشکلات محله «شهید اشرفی»

بار پادگان «دوشان تپه» بر دوش

خانه های فرسوده ممل «اشراقی» در انتظار تعیین تکلیف پادگان قدیمی

مشکلات همیشگی ممل اشراقی؛ از نبود مدرسه تا کمک به زنان سرپرست خانواده

وعده های عملی نشده زیر سایه پادگان ها!

محله زیر سایه پادگان ۱۴۰ هکتاری «نیروی هوایی» یا دوشان تپه نفس می‌کشد. اگر چه چشم اهالی به این پادگان عادت کرده، اما همچنان امید دارند تا این پادگان به نفع مردم مورد بهره برداری قرار گیرد. اهالی آقدر در مورد این پادگان وعده قول شنیده اند که دیگر کمتر به این قول هادخوش کرده اند. به خصوص اینکه سال های سال است که داخل این بخش هایی از این پادگان تالار های عروسی ساخته شده و گویا قرار است به این شیوه مورد بهره برداری واقع شود. اگر چه «فانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر امکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهر ها» از سال ۸۸ در مجلس شورای اسلامی خاک می‌خورد، اما مطابق با این مصوبه به وزارت راه و شهر سازی و شهرداری تهران اجازه داده شد تا در چارچوبی مشخص به خرید اراضی نظامی و انتقال پادگان های خارج از حریم شهر تهران اقدام و از این طریق از اراضی آزاد شده حاصل از این جابه جایی برای جبران کمبود سرانه های خدماتی شهر استفاده کنند. شهرداری هم طبق مقررات طرح جامع، مجاز است بعد از تعیین تکلیف «نحوه تملک» اراضی پادگان ها توسط وزارتخانه های دفاع، راه و شهر سازی و کشاورزی، عرصه های آزاد شده را به نفع شهر و شهروندان در اختیار گیرد.



انکساز مشکلات محله «شهید اشراقی» در منطقه ۱۳ تهران، پندان به تلف مملات دیگر نیست. ۱۱ اهالی اگر چه مصلحت زبانی دارند، اما به گفته فودشان آقدر در مورد مسایل و کاستی ها سراغ شورای اربان رفته و شب و نیمه شب زنگ خانه هایشان را زده اند که دیگر مایی برای تعارف نیست... هر زمان مشکلی پیش می آید بدون (رودر وایس) موضوع را با یکی از آنها مطرح می کنند... «شورای اربان فیلنی برای ممل تلاش کردند... هر کدام با دست فانی، اما پر توان درد و دل هایمان را گوش دادند... اعتراض هایمان را با مان هم می شنوند... اما واقعا تمام اهالی نمی دانند که شورای اربان قدرت عمل و امرا ندارند فقط می توانند پیگیر اوضاع باشند... که شکر خدا ما پیگیر های فویی داریم... ممل «شهید اشراقی» مامن افراد قدیمی و با اصل و نسب است... هنوز ممل آقدر گرم و با صفا است که قدیمی ها پای ثابت آن هستند و دلشان نمی خواهد که به بهانه و مهمد کاستی و پالش ها، از ممل نقل مکان کنند...

امید واهی برای نوسازی بافت های فرسوده

دلخوشی اهالی از امکان برچیده شدن پادگان از یک سو، از طرف دیگر وجود این پادگان محدودیت هایی برای محله ایجاد کرده است که نمایندگان محلی مردم در این ارتباط هشدارهایی می دهند. نوسازی بافت های فرسوده در همجوار این پادگان داستان درازی دارد. یک قاعده کلی مجوز ساخت داده و آن اهالی که توانستند مجوز بگیرند کارشان راه افتاده است... اما هنوز تعداد بسیار زیادی متقاضی برای نوسازی و بازسازی وجود دارد. یک قاعده کلی مجوز ساخت بیشتر از ۴ طبقه به خانه های همجوار مراکز نظامی و پادگان ها داده نمی شود، اما در این محله حتی تعداد برخی از ساختمان ها به ۵ طبقه و حتی بیشتر هم می رسد و بسیاری از ساختمان ها صالت یک یا دو طبقه ای خود را حفظ کرده اند. «غلامرضا زنگنه» دبیر شورای اربان محله «شهید اشراقی» در گفت و گو با خبرنگار «طهران شهر» تاکید می کند: «در مجاورت پادگان کوچه هایی به عرض ۶ متر و خانه های بسیار فرسوده ای وجود دارند. پادگان نیروی هوایی با بهانه تأمین امنیت، به صورت رسمی امکان هر گونه ساخت و ساز و مهمتر از همه نوسازی را سلب کرده است. هیچ گونه فعالیت هم در راستای عمل به قانون چندین و چند ساله مجلس نمی شود. با اینحال خطر زلزله در کمین تهران است. خطر هم که نباشد بسیاری از خانواده ها چشم انتظار مجوزی برای بازسازی و نوسازی هستند. در حال حاضر این پادگان هیچ گونه فعالیت نظامی ندارد و به نفع خودشان برای امور دیگری تغییر کاربری داده و زندگی مردم در مناطقی مثل ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۷ را تحت تاثیر قرار داده است. حدوداً ۳۰۰ - ۴۰۰ واحد ساختمانی در مجاورت با پادگان از اولویت جهت نوسازی و بازسازی بر خوردار هستند».



نیاز مردم به فرهنگ سازی و آموزش

مشکلات فرهنگی موجود در محل گرچه هم جنس مسایل موجود در سایر مناطق نیست، اما حتی محله نشینان معتقد هستند که باید برنامه های برای خانواده ها، جوانان و نوجوانان گذاشته شده و به آنها آموزش های داده شود... «اینکه مردم بدانند ساعت ۹ شب زیاده ایشان را بیرون برند و کنار سطل های زباله رها نکنند، مغازه داران بدانند که نباید زباله هایشان را داخل نهر های آب یا معابر رها کنند و بسیاری از آموزش های دیگر، از جمله وظایف شهرداری است... موش در نهر های آب زندگی و دم و دستگانه ساخته اند. برخی اهالی چندان اهل مراعات و نظافت نیستند...»

«محسن رجب زاده» عضو دیگر شورای اهل محله «شراقی» به خبرنگار ما می گوید: «اطلاع رسانی، فرهنگ سازی و کارهای فوق برنامه در محله نداشته ایم و تنها اقدامات محدودی در اوایل دوره آقای قالیباف دیده ایم و بعد از آن دیگر کار فرهنگی خاصی در سطح محلات انجام نشده است... اگر چه در سطح سراسر اهالی محله اقداماتی می شود اما تمام اهالی از برنامه های سراسر محلات استقبال نکرده و جمعیت هدف نبوده اند. فرهنگ سازی در مورد ارتقای فرهنگ همسایه داری، آبار تمان نشینی، جدا کردن زباله های خشک از تر، نظافت محوده بیرون از منزل و فضای آبار تمان، از اصلی ترین مسایل است که باید به مردم آموزش داده شود تا سطح فرهنگی محله هم تغییر کند.»



مناطق که اسیر پادگان های نظامی شده اند

نیود فضای ورزشی در محله باعث شده است که کاستی های مربوط به فضای سبز نیز بیشتر به نظر برسد... اگر چه با پیگیری شورای اربابان، سالن ورزشی ویژه ای با تعرفه های شهرداری، در محل مشغول به کار است، اما باز هم کفاف جمعیت را نداد و هزینه های بالایی برای اهالی دارد.

دبیر شورای اهل محله، با اشاره به مشکلات دیگری که در راستای وجود این پادگان وجود دارد، ادامه می دهد: «اگر فضای پادگان در اختیار منطقه و شهر داری قرار گیرد، محلاتی مثل «شهداد اشراقی»، «پروزی»، «دهقان» و «زاهد گیلانی» از وضعیت بیست خراج شده و شمال به جنوب و شرق به غرب محله نیز باز می شود. در محله «شهداد اشراقی» هیچ فضای تفریحی یا فضای سبز وجود ندارد و اهالی از این موضوع معترض هستند. فضای پادگان می تواند به یک قطب تفریحی، فرهنگی یا ورزشی برای اهالی تبدیل شود. فضای سبزی به متر از حدود ۱۴۰ متر در انتهای محله توسط شهردار وقت آن زمان تخریب و به یک ساختمان اداری تبدیل شد. شکایت اعضای شورای ارباب و مردم به شهردار سابق تهران در این زمینه باعث شد تا یک زمین در انتهای این محله به پارک و فضای سبز تبدیل شود. این در حالی است که جانمایی نامناسب این فضای پارک را از بهره برداری استفاده مردم خراج کرده و شاهد وقوع بسیاری از آسیب های اجتماعی در این زمین هستیم؛ اگر چه نیروی انتظامی در این زمینه وعده هایی داده است مبنی بر اینکه با جانمایی یک کانکس، امنیت پارک را تامین کند، اما دیدگاه اهالی نسبت به این پارک منفی شده است و باید منتظر بمانیم تا بینیم نیروی انتظامی در تامین امنیت این فضا چه اقداماتی را انجام می دهد.»

وی در ارتباط با وعده هایی که در محله و به مردم داده شده است تاکید می کند: «بارها اعلام شده است، مردم هم گفته اند که پارک ملی سرخه حصار در جوار محله، چندان از سوی اهالی مورد استفاده قرار نگرفته و محله نشینان نیازمند پارک های محله ای هستند. مطابق با جلسات مکرری که با شهردار منطقه آقای «حمان زاده» داشته ایم، مقرر شده تا از فضای گسترده پارک ملی سرخه حصار به عنوان یک تفریح گاه برای گردشگران بین المللی تبدیل و زمین باری که سال ها در محله گود برداری و رها شده بود نیز، به یک مکان ورزشی و تفریحی برای جوانان تبدیل شود. جمعیت محله و به سالمندی و کهنسالی است و این سالمندان به یک فضای مناسب نیاز دارند، در عین حال جمعیت جوان و نوجوان نیز به فضای مناسبی برای تفریح با انجام فعالیت های ورزشی دسترسی ندارند؛ این وعده ها اگر چه نیاز اصلی محله است، اما امیدوار هستیم که به آنها عمل شود.»

مدرسه دبیرستان می خواهیم!

در عین حال دبیر شورای اهل محله «شراقی» با اشاره به بن بست بودن محله و ضرورت طرف شدن مشکلات تردد و دسترسی تصریح می کند: «زمانیکه خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی ترافیک می شود، مردم از راه هشت متری اول به سمت غرب هدایت می شوند و زمانیکه خیابان دماوند ترافیک است، مردم از طریق خیابان های «غفاری» و «هشت متری دوم» به سمت شرق می آیند. به همین دلیل خیابان هشت متری اول و دوم در شمال همیشه حاشه سبز و شلوغ است، که لازم است در راستای کاهش ترافیک این محدوده اقدام شود.

وقتی به بافت محله شهداد اشراقی بیشتر وقت می کنیم و لایه های دیگری از نیازهای اهالی را بررسی می کنیم و با اهالی خودشان به آنها اشاره می کنیم، به این موضوع می رسمیم که کمبود مدرسه در محله از معضلات مهم و قابل توجه است... «خانواده ها به مدرسه دبیرستان دخترانه دسترسی ندارند و اگر چه جلوی ترک تحصیل چاره ها گرفته شده و ۹۹ درصد از دختران به محلات دیگری مثل مناطق ۷ یا ۸ تهران برای ادامه می روند، اما سالها ای سال است که در مورد مدرسه دخترانه در مقطع دبیرستان قول هایی داده شده و بدون نتیجه مانده است... نمی دانیم که مسئولان چرا فکری نمی کنند...»

ناامنی در سایه

دست فروشی و سرقت

«فاطمه مداح» عضو شورای اهل محله «شراقی» نداشتن مدرسه دبیرستان را یکی از مهمترین موارد می داند و به خبرنگار ما می گوید: «قبلا مدرسه دبیرستانی در محله داشتیم که به بهانه تعمیرات اساسی تعطیل و بعد از چند سال به مدرسه ابتدایی پسرانه تبدیل شد، این در حالی است که محله اصلا به مدرسه دبستان نیاز نداشت. مدرسه «علاجه حلی» نیز از محلات دیگر تهران اقدام به پذیرش کرده و محله از کمبود فضاهای آموزشی کافی رنج می برد. امیدوار هستیم و همچنان این مشکل محله را پیگیری می کنیم تا بتوانیم برای دبیرستان محل فعالیت انجام دهیم.»

این روزها محله اشراقی گرچه با وجود افراد بومی و قدیمی، بافت سنتنی خود را حفظ کرده و همه با آشنا هستند اما مدت زمانی است که از برخی آسیب ها ناامنی در بافت خود روبرو و روبرو شده است. چنانچه «مداح» عضو شورای اهل محله در این ارتباط تصریح می کند: «هر از چند گاهی در طول هفته به گوشمان می رسد که از فلان منزل مسکونی سرقت شده است در گذشته از این اخبار خبری نبود، بساطی و وادت پارهایی که در خیابان «یونسیان» اقدام به دستفروشی یا فروش میوه می کنند، اولین عامل ایجاد ناامنی و هرج و مرج هستند که در این زمینه پیگیری هایی شده و شهرداری و نیروی انتظامی قول های مساعدی دادند تا با از بین رفتن اقدامات سوازی کاری، برای تامین امنیت محله اقدام شده و کمپوست نیروی انتظامی نیز برای برگشتن نظم و امنیت به محله فعال شود. امیدواریم از حرف تا عمل چندان فاصله ای وجود نداشته باشد.»

اگرچه «قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهر ها» ۸۸ سال در مجلس شورای اسلامی خاک می خورد، اما مطابق با این مصوبه به وزارت راه و شهرسازی و شهرداری تهران اجازه داده شد تا در چهار چوبی مشخص به خرید اراضی نظامی و انتقال پادگان ها به خارج از حریم شهر تهران اقدام و از این طریق از اراضی آزاد شده حاصل از این جابه جایی برای جبران کمبود سرانه های خدماتی شهر استفاده کنند. شهرداری هم طبق طرح مطرح جامع، مجاز است بعد از تعیین تکلیف «حوضه تملک» اراضی پادگان ها توسط وزارتخانه های دفاع، راه و شهرسازی و کشاورزی، عرضه های آزاد شده را به بافت شهر و بیرون راندن در اختیار گیرد

استفاده اهالی از پل عابر پیاده و حیدیه نیز با مشکلات زیادی همراه است. کمبود نبودن این پل باعث شده تا بسیاری از اهالی قید استفاده از پل را زده و از لایه لای گادریل ها اقدام به تردد کنند که حوادث تلخ زیادی را به همراه داشته است. تصادف با اتوبوس های بی آرنی از مهمترین مشکلات بوده و موتور سواران زیادی نیز در این مسیر تردد دارند. همتایان که تا به امروز گزارش های زیادی در ارتباط با ستجه و حوادث بی شماری ثبت شده است

اهمیت استقلال مالی زنان سرپرست خانوار

یکی از درخواست های بانوان در محله «شراقی» توجه بیشتر به زنان سرپرست خانوار و بی سرپرست است... «در محله بانوان زیادی را می شناسیم که باسلی صورتشان را سرخ نگاه داشته اند، هیچ کدامشان هم دستشان را جلوی مرد و نامرد دراز نکرده اند. آنها به حمایت و همراهی احتیاج دارند. تعداد زیادی از بانوان محله در مترو دستفروشی می کنند و مجبور هستند بچه هایشان را هم با خودشان همراه کنند و یا در خانه تنها بگذارند و با دایمانگران هستند... کاش دولت یا شهرداری برای کمتر شدن مشکلات آنها کاری کنند...»

«عظم پاساییان» از معتمدان محله و عضو شورای اهل محله «الزهره» در این ارتباط به خبرنگار «طهران شهر» می گوید: «اگر محل مناسبی برای آموزش بانوان دبیرپرست و بی سرپرست در سطح محله داشته باشیم می توانیم از بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی پیشگیری کنیم... کارآفرینی و اشتغال زایی این افراد در گروهی آموزش تک تک آنها و تامین استقلال مالی شان است. در محله زمین مرغوبه و بایر زیادی داریم که آبادانی یکی از زمین ها به نفع این بانوان می تواند بهترین و ارزشمندترین خدمت به مردم باشد. علاوه بر این زمین حمام مترو که ای هم در انتهای خیابان «یونسیان» وجود دارد که اگر فضای سبزی یا فضای ورزشی هم نشود؛ با تغییر کاربری می تواند به بهترین فضای بانوان و فعالیت های فرهنگی تبدیل شود... بارها در این ارتباط رازینی و مکاتبه کردیم اما هر بار به نتیجه روشنی نرسیدیم...»

سهل انگاری برای نصب تنها یک

پل عابر پیاده مکانیزه!

یکی از مشکلات اصلی و قابل ذکر اهالی «شراقی» بازگشایی مسیر خیابان «حیدیه» به منظور ایجاد دسترسی محلی به تنها کلینیک در مانی تامین اجتماعی «قدس» است... بیشتر خدمات شهری مثل در مانگاه، کتابخانه، مسجد، مراکز خرید و تعداد زیادی مدرسه در شمال خیابان دماوند قرار دارد و مردم محله برای استفاده از این خدمات باید تا ایستگاه سیلان یا ایستگاه حیدیه آنهم با پای پیاده بروند. در این زمینه بارها رازینی شده است و استشهادهای محلی جمع آوری شده و دچار ضایعاتی خود را از این مشکل مطرح کرده اند، اما منطقه ۱۳ در این راستا پیگیری بوده در حالیکه این موضوع از حوزه اختیارات منطقه خارج و به مناطق دیگر شهرداری ارتباط دارد.

عظم پاساییان از دیگر شوراباران قدیمی و دلسور محله نیز در این ارتباط ضمن ابراز ناراحتی به خبرنگار «طهران شهر» تصریح می کند: «سالهای سال است در این حوزه حرف زده ایم و با اینکه همچنان پیگیر این گرفتاری مردم هستیم اما احساس می کنیم که این پیگیری هایی فایده بوده و در بدنه شهرداری انگیزه ای برای حل مشکلات اصلی مردم وجود ندارد. بسیاری از شهروندان، افراد معلول و ویژه سالمندان برای عبور از این خیابان «دماوند» که تردد آن را برابریسین به بسیاری از امکانات است، به سختی و ناراحتی اقدام می کنند، اما این خیابان به دلیل مرز بین دو منطقه ۱۳ و ۸ بوده، دچار مشکلاتی شده است. اما مطابق با تقسیم بندی وظایف، نصب پل مناسب در محدوده حیدیه و به از جمله وظایف مسلم شهرداری منطقه ۸ است که در این زمینه سهل انگاری می کنند و ظاهر از نامه نگاری و پیگیری های شورای ارباب و مردم در این زمینه با خبر هستند. استفاده اهالی از پل عابر پیاده و حیدیه نیز با مشکلات زیادی همراه است. مکانیزه نبودن این پل باعث شده تا بسیاری از اهالی قید استفاده از پل را زده و از لایه لای گادریل ها اقدام به تردد کنند که حوادث تلخ زیادی را به همراه داشته است. تصادف با اتوبوس های بی آرنی از مهمترین مشکلات بوده و موتور سواران زیادی نیز در این مسیر تردد دارند. همتایان که تا به امروز گزارش های زیادی در ارتباط با ستجه و حوادث بی شماری ثبت شده است.



محلۀ ای رها شده!

محلۀ های منطقه ۱۳ را که به صورت لیست وار بررسی می کردیم، موقعیت و مشکلات محلۀ «زاهد گیلانی» بیشترین سسایر محلات توجه مان را به خود جلب کرد. اگر محلۀ «اسدی» و «صفا» در کنار این محلۀ، مشکلات مشابهی داشتند، اما بررسی جالش های موجود و پیش روی این محلۀ از تهران آنقدر ضروری بود که باید در گزارش مجزایی به آن پرداخته می شد... مشکلات این محلۀ اگر بیشترین از محلات محروم نباشد، کمتر از آن نبوده و یک بازدید میدانی و دلجویی از محلۀ نشینان و شورایاری های می تواند به طور حتم نمای کلی محلۀ و معضلاتش را نمایان سازد. اگر چه مسئولان شهری و حتی دولتی، بارها از منطقه بازدید کرده با مشکلات به صورت ملموس آشنا هستند، اما عدم رسیدگی به مطالبات چندین و چند ساله آنها، نشان از جدی نگرفتن مشکلات و خوش قول نبودن مسئولان دارمسئولانی کار زمانی بر صندلی تعهد تکیه داشته و حالا جای خود را به دیگری داده اند. محلۀ «زاهد گیلانی» یکی از همین محلات است. صحبت با اهالی محلۀ اگر چه خالی از لطف نیست، اما آنها آنقدر اعتراض دارند که وقتی با گروه گزارش نشریه صحبت می کنند، گاهی صدایشان بالا می رود و تصور می کنند که با مسئولان در حال صحبت هستند... شورایاران محلۀ که ما همراهی می کنند این اتفاق را طبیعی دانسته و با واکنش نینجینی اهالی محلۀ آشنا هستند و حتی اعلام می کنند که آنقدر صدای اهالی شنیده نشده است، خسته شده و دلشان می خواهد که صدایشان به جایی برسد!

پادگان هایی که تعیین تکلیف نشدن

دبیر شورایاری محلۀ با اشاره به پیگیری های فراوانی که برای مشکلات محلۀ انجام شده و به نتیجه نرسیده اند، ادامه می دهد: «زمان مدیریت «قالیپاف» در جلسۀ ای که به منظور یادمان شهید «پیچک» داشتیم، به ایشان اعلام کردیم که یک نفر را به عنوان نماینده و امین انتخاب کرده و از تمام کوچه ها بازدید شود که این اتفاق رخ نداد. حتی در این جلسۀ بعد از بازدید و اشراف ایشان از منطقه و محلۀ مقرر شد که با انجام کارهای اداری مربوط به انتقال پادگان «صاف» این پادگان به یک سالن و مجموعۀ چند منظوره فضای خدماتی - رفاهی تبدیل شود که قول ایشان محقق نشد به همین دلیل به جرات می توانیم بگوییم که ناهنجارترین و بی عدالت ترین رفتار شهری در بازبندی میدانی یک ساسته از محل به درستی قابل ملاحظه و اثبات است؛ شهردار سابق تهران با علم به اینکه زمین های باری ۷۰۰-۸۰۰ متری در محلات و حتی حمام های عمومی مترو که در محلۀ وجود داشته و می توان به نفع محلۀ مورد بهره برداری قرار گیرند، برای پروژه های این چنینی در محلات هزینه نکرده و برای احداث باغ کتاب، تونل و بزرگراه ها و... به صورت میلیار دی هزینه کردند. در عین حال به بازنگری شهردار منطقه در حاشیۀ انجام یک کار جهادی، بازدید میدانی از محلۀ داشتند که ما مشاهده شرایط کوچه های فرعی در محله را دیدن و وضعیت ناهای سامان کوچه و خیابان ها تعجب کرده و باورشان نمی شد که این محله ای از منطقه ۱۳ بوده و کوچه های فرعی تاین اندازه ناهای سامان هستند.»

«تهران شهر» از مشکلات محلۀ «زاهد گیلانی» گزارش می دهد:

روستایی محروم در قلب پایتخت!



در قانون شهرداری، ساماندهی مشاغل و جلوگیری از سد معبر یک قانون بوده و از وظایف حتمی شهرداری ها محسوب می شود که با چالش های و احداث بازاری در هر یک از محلات، بازار را به صورت هتکی در اختیار دستفروشان قرار دهند و با شهر وندان یا مرهغه به شهر سازی، به دلیل آشنا نبودن با مقررات مربوط به گرفتن جواز، به کار خاشان مربوطه پول می دهند تا آنها را از چند و چون مقررات آشنا سازند. در حالیکه وظیفۀ آنها غیر از این نیست، متأسفانه ما برای اینکه به قانون عمل شده و قانون مدون نظر قرار گیرد، باید پول و وزیر میری بدیم

از ۴۰ سال گذشته

به محلۀ رسیدگی

نشده است

گله و شکایت ها از نبود فضای سبز مناسب و سوله بخران، شروع می شود و به ریز و درشت ترین مسایل می رسد... منطقه ۱۳، منطقه جنوب شهر نیست، ما در مرکز ترین منطقه زندگی می کنیم... اما وقتی به محلۀ نگاه می کنید انگار یک دهه روستا است. مهمان هایمان که ملاقات منطقه های پایین تهران و یا حتی از شهرستان می آیند، تعجب می کنند و حتی به ما فخر هم می فرورسندند! نه پارک، نه فضای سبز، نه زمین بازی و ورزش... واقعاً اگر شهرستان و یا حتی در یک روستا زندگی می کردیم، طبق گفته دوست و آشنا و دیده های خودمان، زندگی بهتر و امکانات بیشتری داشتیم...»

«مرتضی احمدلو» دبیر شورایاری محلۀ «زاهد گیلانی» در گفت و گو با خبرنگار «تهران شهر» اگر چه انتقادهای زیادی از عملکرد مدیران شهری سابق و فعلی داشته، اما تمام انتقادها را انعکاس مطالبات به حق و محقق نشده مردم می داند و می گوید: «قبل از عضویت و قبول مسئولیت در شورایاری، در نهادهای مردمی و خود جوش منطقه و ناحیۀ فعالیت داشته و به صورت جزئی و دقیق از مشکلات و مسایل ناحیۀ یک از منطقه ۱۳ یعنی محلات «صفا»، «زاهد گیلانی» و «اسدی» مطلع هستم... در عین حال کنار قناتی که حالا به بخش هایی از اتوبان امام علی تبدیل شده است، به دنیا آمده ام. همین محلۀ هستم و از محلات یا مناطق دیگری تزیق نشده ام، پس تمام آنچه که در مورد معضلات و مطالبات مردم گرفته می شود، جزء به جزء، نمود و هویت واقعی بدون مبالغه دارد. در واقع در ناحیۀ یک منطقه، خیابان صفا، محلات مشمش از آن طی ۴۰ سال گذشته هیچ اقدامی نشده و برکت مدیریت های اشتباه شهری، هراقتافی که رخ داده است نیز محلۀ را ضعیف تر کرده و به عقب رانده است.

عوارض شهری برای

رفاه مردم هزینه شود

این فعال شهری و اجتماعی در ادامه با بیان اینکه تحقیقات جامع و مستند زیادی وجود دارد مدنی بر اینکه محلۀ «صفا»، «زاهد گیلانی» و «اسدی» به دلیل مسدود شدن میدان امام حسین (ع) تمام دسترسی های های خود را از دست داده و به صورت دقیق تبدیل به یک جزیره شده است، ادامه می دهد: «این وجود، اگر چه ساختمان اصلی شهرداری منطقه و ساختمان های ستادی آن در دل ناحیۀ یک بنا شده است و انتظار و تصور اهالی آن بود که حداقل به این محلۀ بیش از گذشته رسیدگی خواهد شد، اما این اتفاق نیز نیافتاد و هیچ تغییر چشم گیری در محلۀ و ناحیۀ نیز ایجاد نشده؛ بافت های فرسوده، فرسوده تر و بحرانی تر شدند و مطالبات مردم در این رسیدن به محلۀ ای یاد و میچیز به برخی امکانات منطقی و ضروری شهری باین بست رویه رو شد. در حالیکه یکی از خواسته های به حق اهالی این است که پول عوارض شهری که سالیانه از شهروندان گرفته می شود برای بیماران و امکانات شهری محلۀ هزینه شده و در جای دیگری صرف نشود. ناحیۀ ما فاقد امکانات ضروری و اولیه است؛ چراغ راهنمایی و رانندگی و یا حمل و نقل عمومی در دور افتاده ترین روستا به چشم می خورد در حالیکه محلۀ از نظر بیماران شهری و امکانات اصلی دچار کمبود اساسی بوده و به مدد پیگیری های مستمر، اولین چراغ راهنمایی و رانندگی سال گذشته در محلۀ «زاهد گیلانی» نصب شد. در عین حال تنها خط اتوبوس محلۀ که کار جایی مردم و مسافران را از خیابان «صفا» به میدان «امام خمینی» یا میدان «بهارستان» را انجام می داد با پناهانه اینکه این خط محزون به صرفه نیست جمع آوری شد!

حامد محبی

اهالی سیروس، مردمانی هستند که در هفت سال های بدو شکل گیری محلۀ نیز از قشر متوسط یا ضعیف جامعه بودند و در همسایگی مرکزیت مبادلات و تجارت آن روزها یعنی بازار بزرگ تهران

محلۀ «سیروس» از چاله در آمده و بر چاه افتاد!

دیر زمانی است که سیروس امروز، گرفتار همسان چاله ای است که از قدیم ایلام بدان نسبت می دادند؛ چال میدان در قلب تهران. این چاله اگر زمانی عینی بود و به واسطه شکل زمین در این بخش از شهر به آن منتسب شده بود، این بساز ذهنی است و چاله ای است در هیبت بلای اعتیاد و افسون و عمیق آنقدر زیاد دارد که این محلۀ را شهره به خود کرده است. این نیز جز به این دلیل نیست که سیروس، بیروز و امروز از ناملایماتی ها و بی توجهی های زمانه رنج می برد و حال به چنین حال نزاری افتاده است که کسی را یاری یاری آن نیست. اهالی سیروس، مردمانی هستند که در همان سال های بدو شکل گیری محلۀ نیز از قشر متوسط یا ضعیف جامعه بودند و در همسایگی مرکزیت مبادلات و تجارت آن روزها یعنی بازار بزرگ تهران. اما حالا بیش از یک قرن و نیم از آن روزها گذشته و سیروس دیگر حال خوشی ندارد. از رنگ باختن هویت محلۀ و بافت آن و نداشتن حسن تعلق از جانب اهالی جدید و عمدتاً مهاجرش گرفته تا رفتن خانه های ارزشمند محلۀ به زیر یوغ انبار های صنعتی و کارگاه های مربوط به بازار باریان.



اندک سرمایه های این محل، نازنین مردمانی هستند که همچنان به پیای محلۀ شان می سوزند و غمخ روزهای رابه دل می خردند که صفا و صمیمیت و سرزندگی کوی و برزن این محلۀ زبان زد خاص و عام بود، اما حالا حتی با شرمساری از آن نام می برند، حال آن که خود تصمیم گیرنده حال و روز این روزهایش نبوده اند، بلکه هجوم سرمایه داری، تملک زمین ها و خانه ها و حتی باغ های محلۀ بلایای این محلۀ بوده و هستند.

رد پای اصالت و ریشه اهالی شریف این محلۀ را شاید بتوان در جای قدم بزرگانش دنبال کرد. بزرگی چون آیت الله غسروی که چندی پیش اهالی سیروس را در سوگ از دست دادن معتمد و پیرشان گذاشت و رفت، از این دست بود.

اما این روزها کوچه ها از مردمانی که روزگاری بسا همدلی و حسن مسئولیت و بزرگ منشی محلۀ را سرپا نگه می داشتند تهی شده و جولانگاه بی خانمان هایی است که بعضاً روزگاری، خودشان صاحبان خانه های در همین کوچه ها بوده اند. معتادانی از دل همین ناملایمات و اختلالات طبقاتی که بر این محلۀ آوار شده که اکنون خانه شان پای دیوار های بلند و کوچه های خلوت و سست و کوری است که دیگر کسی آن را آب و جار نمی کند و اهالی پشت این دیوارها (انبار دارها) هم اعتنایی به اتفاقات درون کوچه ها ندارند و در پیچه شان به دنسای بیرون فقط از طریق دوربین های مدارستشان است که نهایت کارشان به نظاره نشستن این همه حجم سنسایهی و تیره بختی افرادی بی خانمان و بیمار است.

ادامه در صفحه ۱۳

محلله‌ای با خیابان‌هایی شبیه به دهات!



«فروغی» عضو شوراییاری محله زاهد گیلانی نیز در گفت و گو با خبرنگار «طهران شهر» ضمن تأیید و تکرار مشکلات ذکر شده در محله یاد آور می‌شود: «ما در یک جزیره زندگی می‌کنیم تا در محله‌ای از پایتخت؛ متأسفانه وجود پادگان‌هایی در اطراف منطقه و محله مثل «ساعت»، «تسلیمات»، «خزراحی» و «روی امام» منطقه از جمله ناحیه‌یک از منطقه ۱۳ تأثیر زیادی گذاشته است. وقتی صحبت از ضعف محله در ارتباط با فضای سبز می‌شود، این موضوع از این نظر اهمیت دارد که متأسفانه بانوان هم جایی برای ورزش ندارند. زمین فوتبال محله به دلیل عدم بهسازی و ننگه داری مناسب، بدون استفاده و متروک مانده و اشرف آن به کوچ‌های تنگ و تاریک، آمینت‌را نیز از آن سلب کرده است. وقتی معضل را از جانب شهرداری پیگیری می‌کنیم، به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم. بسیاری از مطالباتمان از شهردار سابق زمین مانده و هنوز محقق نشده است و شهردار جدید هم بعد از انتصاب تا زمان اشراف دقیق به محله و مشکلات آن، به زمان نیاز دارد. نبود مدیریت واحد شهرداری در تهران، منطقه و محلات باعث شده است که اداره‌های مثل آب، برق، گاز و تلفن اقدام به تخریب کرده و شهرداری نیز دوباره باید برای آبدانی اقدام کند که البته در بیشتر موارد این اتفاق نیافتاده و برای انجام کارهای عمرانی و بهسازی بهانه تراشی می‌شود؛ به همین دلیل طاهر خیابان‌ها بیشتر به یک دهات شبیه است تا خیابان‌ها و کوچ‌هایی در دل پایتخت!»

انجام ورزش



صبحگاهی بانوان

در هیات مذهبی

شاید بتوان محلات ناحیه یک از منطقه ۱۳ شهرداری را جزو آسیب خیزترین محلات دانست. اگرچه میزان این آسیب‌ها همچنان پنهان بوده و به صورت آشکار نیست، اما در نوع خود درگیر مشکلات عدیده‌ای هستند. به اعتقاد اهالی، اگر در محله «زاهد گیلانی»، خانه‌های اعتباری و افراد معتاد وجود ندارد، اما مواد فرشان، مشروب و صاحبان خلافی که شرایط مالی خوبی دارند، در محله زاهد گیلانی ساکن هستند. محله از نظر آسیب‌های اجتماعی کمتر از محلات دیگر نیست و جنس اصلی آن بسیار متفاوت است

اگر محله «زاهد گیلانی» از نظر فضای ورزش برای بانوان بسیار ضعیف است اما به همت اعضای شوراییاری و مردم، هیات مذهبی محله اقدام به برپایی ورزش صبحگاهی در صبح‌ها کرده و بانوان نیز ضمن استقبال از این کلاس‌ها، بسیار راضی هستند. حتی مذاکره‌ای نیز با مدارس دخترانه صورت گرفته تا نسبت به برپایی کلاس‌های ورزشی زمین و حیاط مدرسه را در اختیار مردم قرار دهند تا بانوان به صورت رایگان در این زمین‌ها ورزش کنند... «از زمانی که هیات مذهبی محل برای ورزش صبحگاهی در نظر گرفته شده، همه‌اها همسایه‌ها به این هیات رفته و در روزه‌ها مان هم بسیار تأثیر مثبت داشته است. هر زینه باشگاه مربوط به کلاس‌های ورزشی سزای محله بی دلیل گران هستند و حتی هزینه‌هایشان از کلاس باشگاه‌های خصوصی کمتر گران تر بوده و برای ماصرفه‌های شرکت در کلاس‌ها وجود ندارد...»

درآمدزایی در سرراه‌های محله یا خدمت‌رسانی؟



«لیدا فروغی نیری» فعال اجتماعی تأکید می‌کند: «برنامه‌هایی داشتیم مبنی بر اینکه در مساجد محله نیز بتوانیم کلاس‌هایی برای ورزش بانوان برپا کنیم که با آوردن دلایل شرعی، با این تصمیم مخالف شد، اما تشکیل کلاس‌های ورزش صبحگاهی در هیات مذهبی که مالکیت شخصی دارد، انجام شده و از استقبال چشم‌گیر نیز برخوردار شده است و ورزش بانوان بیش از اقدامی در محله اولویت بر خود دارد و باید در این راستا اقدامات جدی صورت گیرد. متأسفانه سرراه‌های محله اگر چه ظرفیت خوبی دارند، اما تمام آنها تفریح و انگیزه در آمد زایی داشته و حتی فضاهای اطراف سرامتلی حیاط نیز با سرپوشیده کردن، اجاره داده شده و کلاس‌هایی با شش‌په‌های بالا برپا می‌کنند. تمام اهالی توان مالی شرکت در کلاس‌ها نداشته و حتی با داشتن توان مالی کافی نیز، ترجیح می‌دهند تا کلاس‌ها و باشگاه‌های خصوصی استفاده کنند...»

شاید بتوان محلات ناحیه یک از منطقه ۱۳ شهرداری را جزو آسیب خیزترین محلات دانست. اگر چه میزان این آسیب‌ها همچنان پنهان بوده و به صورت آشکار نیست، اما در نوع خود درگیر مشکلات عدیده‌ای هستند... به اعتقاد اهالی، اگر در محله «زاهد گیلانی»، خانه‌های اعتباری و افراد معتاد وجود ندارد، اما مواد فرشان، مشروب و صاحبان خلافی که شرایط مالی خوبی دارند، در محله زاهد گیلانی ساکن هستند. محله از نظر آسیب‌های اجتماعی کمتر از محلات دیگر نیست و جنس اصلی آن بسیار متفاوت است.

زیرمیزی می‌دهیم



تاقانون اجراشود!

«مرتضی احمدلو» دبیر شوراییاری محله «زاهد گیلانی» نیز با اعلام اینکه متأسفانه تعامل و مدیریت کردن کار در منطقه ۱۳ بسیار دشوار است، ادامه می‌دهد: متأسفانه علت این معضل چندان روشن نیست، اما مطابق با گفته‌های مردم و شواهد موجود می‌توان بحث زیرمیزی گرفتن ها و زنده‌بندها را یکی از دلایل چالش فوق برآورد کرد. به عنوان نمونه طبق قانون و مقررات بالادستی، سد معبر در هیچ یک از معابر و خیابان‌ها نباید وجود داشته باشد و مأموران سد معبر دارند را به دلیل وجود هر وسیله‌ای در حریم معبره جریمه می‌کنند و در عین حال وقتی مالکان و معبره‌داران نسبت به وجود سد معبر و دست‌فروشی اعتراض می‌کنند، به این افراد کاری نداشته و زیرمیزی نیز دریافت می‌کنند. این در حالی است که در قانون شهرداری، ساماندهی مسائلی و جلوگیری از سد معبر یک قانون بوده و از وظایف حتمی شهرداری‌ها محسوب می‌شود که با جانمایی و احداث پارک‌ها در هر یک از محلات، بازارها به صورت هفتگی در اختیار دستفروشان قرار دهند و با شهروندان با مراجعه به شهرداری، به دلیل آشنا نبودن با مقررات مربوط به گرفتن جواز، به کارشناسان مربوطه پول می‌دهند تا آنها را از چند و چون مقررات آشنا سازند، در حالیکه وظیفه آنها غیر از این نیست؛ متأسفانه ما برای اینکه به قانون عمل شده و قانون مد نظر قرار گیرد، باید پول و زیرمیزی بدهیم.

اگرچه ساختمان اصلی شهرداری منطقه و ساختمان‌های ستادی آن در دل ناحیه یک نباشد است و انتظار و تصور اهالی آن بود که حداقل به این محله بیش از گذشته رسیدگی خواهد شد، اما این اتفاق نیز نیافتاد و هیچ تغییر چشم‌گیری در محله و ناحیه نیز ایجاد نشده؛ بافت‌های فرسوده، فرسوده تر و عمرانی تر شدند و مطالبات مردم برای رسیدن به محله‌ای آباد و مجیز به برخی امکانات منطقی و ضروری شهرداری با این بست‌رویه رو شد.



مشکلات این محله اگر بیشتر از محلات محروم نباشد، کمتر از آن نبوده و یک بازدید میدانی و دلجویی از محله نشینان و شوراییاری‌ها می‌تواند به طور حتم نمای کلی محله و معضلاتش را نمایان سازد... اگر چه مسئولان شهری و حتی دولتی، بارها از منطقه بازدید کرده و با مشکلات به صورت ملموس آشنا هستند، اما عدم رسیدگی به مطالبات چندین و چند ساله آنها نشان از جدی نگرفتن مشکلات و خوش قول نبودن مسئولان دارد.

تبدیل فضای سبز محله



به ساختمان‌اداری

کمبود محله از منظر فضای سبز، پارک، فضای بازی، ورزشی و... آنقدر اساسی است که تک‌اها محله به آن اشاره می‌کنند. هر خانواده با داشتن فرزند جوان و نوجوان، آنقدر بر گردن اوقات فراغت و پاساژهای خالی فرزندان خود هستند که بلافاصله به این مشکل اشاره می‌کنند. «چچه‌هایمان فقط در کوچ‌های سبز می‌کنند. اگر خانواده‌ای توان مالی داشته باشد که دوچرخه برای چچه‌ها خرید و آنها در همین کوچ‌ها هاسرگرم می‌کنند در غیر این صورت چچه‌ها فرصت دیگری برای تفریح و بازی ندارند... فضای سبزی در سال‌های اول انقلاب در محله به پهنه تعریفش پارک تخریب شده و به جای بهسازی برای شهروندان، به یک ساختمان تبدیل شده و مابقی فضای سبزی نیز به ادارات واگذار شد. محله فضای سبزی دیگری برای پارک با ورزش نداشته و استخر و پارک «خیام» نیز بعد از سرپوشیده شدن، به پیمانکاران واگذار شد... این استخر یادادن خدمات بدون کیفیت و گران، فضای مناسبی از نظر وضعیت بهداشتی نداشته و مواردی از ابتدای افراد به بیماری‌های قارچی در آن به چشم خورده است...»

محلله‌ای با خیابان‌های شبیه به روستا

به ناچ فضای سبز به گاه سافتمان‌سازی

جولان مواد فروشان و مشروب‌سازان

در محله «زاهد گیلانی»



مسئولانی



که می‌آیند

ومی‌روند!

وی خطاب به اعضای جدید شورای شهر تهران به بیان اینکه محله «زاهد گیلانی» در عین غنی بودن دچار معضلات و کاستی‌های عدیده‌ای شده است تصریح می‌کند: وقت برای خدمت‌رسانی بسیار اندک است. گرچه اعضای تازه‌گی قبول مسئولیت کرده و زمان قضاوت بر عملکرد دشمنان است. اما این اعلام می‌کنند که اعضای شورای شهر و یاقلان مدیر و معاون در شهرداری به تاخیر می‌نویسد و چند سال دیگر نیز با اتمام دوره مسئولیتشان اعلام می‌کنند که اتمام دوره مسئولیت است که در این میان تنها مشکلات روی هم مانده شهروندان است که بدون نتیجه‌ها می‌شود؛ از اعضای شورای شهر تهران تقاضا داریم که ضمن اعمال نظارت دقیق و مستمر بر محله، سی‌دی و گزارش‌های کامل ارائه شده به شورای شهر سابق را بررسی و کنکاش کنند تا با مشکلات محله آشنا شوند. یکی از مهمترین مشکل منطقه‌ای که تمام محلات از جمله محلات ناحیه یک را درگیر کرده است، سدود شدن میدان و شاهراه اصلی میدان امام حسین (ع) است که بازتابی جز تجمع معتادان، خلافکاران و... در این میدان و ورشکست شدن مغازه‌داران نداشته است. امیدوار هستیم تا ضمن توجه به مشکلات مهم منطقه‌ای، معضلات محلات نیز آسیب‌شناسی شوند.

گزارش «طهران شهر» از مشکلات محله «شورا»

فرصت‌ها و تهدیدهای کارخانه مترو که!

سرگرمی و محلی امن برای اهالی چشم‌انتظاری که سالهای سال است موشان در محله سفید کرده اند و کمترین امکانات نیز بر خود در برده‌اند. حالا وقتی با اهالی صحبت می‌کنیم بسیار از وعده وعیدهای مسئولان شهری گله مند هستند و می‌خواهند بدانند که چرا محله «شورا» از بار بار این همه کاستی کم‌رنگ کرده است... چرا اسبم اهالی از تمام خدمات و امکانات رفاهی زیر صفر و بسیار محدود است... اگر چه منطقه ۱۳ شهر داری تهران از مناطق خوب شهر تهران به حساب می‌آید، اما محله «شورا» و تعدادی دیگر از محلات دیگر از بسیاری کمبودها رنج برده و دچار بی‌عدالتی شده‌اند.

محله خوش نام «شورا» روزی که به محله «جوراب بافی» معروف بود. حالا سال‌های سال است که کارخانه تعطیل شده و دیگر نه خبری از نام آن بر روی محله و نه خبری از هیاهوی‌های چندین و چند ساله، اما همچنان کارخانه «جوراب بافی» بخشی از هویت این محله قدیمی و پر آوازه به حساب می‌آید. تعطیلی این کارخانه هم برای خودش به یک اتفاق مهم تبدیل شده است. اتفاقی که شاید به نفع تک‌تک اهالی محروم از خدمات و امکانات رفاهی باشد. زمانی نان تعداد زیادی از کارگران در این کارخانه تأمین می‌شد، اما حالا تخریب آن هم می‌تواند نان آور و پر برکت باشد؛ نه تخریب صرف، بلکه آبادانی و تبدیل آن به یک فضای برای تفریح.

پل مکانیزه ای که از نماز واجب تر است!

۲۰۰ برگ نامه نگاری برای یک پل مکانیزه عابر پیاده

آبی از شهرداری برای ما گرم نمی‌شود!

هم سطح نبودن معابر در محله یکی از مشکلات پیش روی اهالی بوده و در کنار درخواست‌هایی که در تباط و کمبود فضای ورزشی و تفریحی مطرح کردند، به این موضوع نیز اشاره داشته و خواستار رفع مشکلات در کوجه پس کوجه‌ها بودند... «ما هم چاره‌ای نداریم، وقتی می‌بینیم یک پیر مرد با زین خردن، تمام استخوان پایش خورد شده، به تنها افرادی که شکایت می‌کنیم، اعضای شورای آب است، چه قدر با ۱۳۷ تماس بگیریم؟ هر بار که رهگیری بدهند و ما هم بیخیال پیگیری بشویم... محله که فضای سبز ندارد، حداقل شهرداری و پیمانکاران هم برای ماندن و تازگی درخت‌های محله اقدامی نمی‌کنند... اصلاً پیمانکاران تمام حرفه‌شان تخریب و خشک کردن درخت‌ها است و تا به حال کاری برای حفظ، آبیاری و به موقع و رسیدگی به درخت‌ها انجام نداده‌اند... اگر اهالی خودشان همت کردند که هیچ، آبی از شهرداری برای ما گرم نمی‌شود... از سر و نه محله موش سر در آورده است. خانه‌ها همیشه موش هستند... از عروس و دامادها بمان خجالت می‌کنیم... شهرداری اگر چه با پیگیری اهالی چسب و طعمه موش می‌دهند اما کار اصولی و دقیق برای موش‌ها انجام نداده‌اند، همیشه درگیر هستیم...»

اعضای شورا فقط حرف بدون عمل وعده ندهند

محمد حسین هداوندی دبیر شورای آب این محله خطاب به اعضای شورای شهر تهران تاکید می‌کند: «از اعضای شورای شهر تهران می‌خواهیم که به برکت‌های مردم، در مسیر خدمت به آنها بین خودشان و خدای خودشان عهد و پیمان ببندند که این ۴ سال از زمان خدمت رسائی، ایام عاقبت به خبری نباشد... اعضای شورا فقط حرف بدون عمل وعده ندهند... مشکلات فعلی حاصل پهنانه تراشی و اعمال کاری مدیران و مسئولانی است که مشکلات را سال‌های سال پاس داده و دردی را درمان نکرده‌اند. اعضای فعلی شورا این معضلات را به اعضای بعدی در دوره‌های آینده واگذار نکنند، چنانچه حل و مرتفع نکند تک‌تک این مشکلات هر سال سخت‌تر شده و نیازمند هزینه و زمان بیشتری خواهد بود. مردم همکاری می‌کنند، مشارکت می‌کنند، مالیات می‌دهند و تنها خواسته‌شان رفع مشکلات پیش‌رو است... به مردم خدمت کنیم...»

سایه کارخانه جوراب بافی بر سر محله شورا

مماج‌های مترو که برای جان محله «شورا»

بعضی محلات نونوار

و برخی دیگر محروم هستند

وی در قالب یک پیشنهاد ادامه می‌دهد: «هر کدام از اعضای شورای شهر تهران اگر به عنوان نماینده ۲۲ منطقه در تهران انتخاب شده و معرف دبیران شورا یا منطقه باشند، در انعکاس مشکلات به آنها موفق تر بوده و می‌توانیم با سهولت بیشتری پیگیری مسائل مردم باشیم؛ بازدیدهای میدانی هر کدام از این نماینده‌ها از محلات و لمس جدی مشکلات بسیار ضروری و واجب است... تا به امروز برنامه‌های اداری در شورای شهر تهران از روی تعهد، دلسوزی و نظم نبوده و دشواری‌های ارتباط‌گیری با اعضای شورای شهر تهران باعث شده تا پیگیری مشکلات مردم به تعویق افتاده و در معرض فراموشی قرار گیرد. عدم آشنایی دقیق اعضای شورای شهر با مناطق و محلات باعث شده تا محلاتی در مناطق نونوار شده و محله دیگری، بدون امکانات به سر ببرد در نظر گرفتن عدالت و برابری میان محلات بسیار ضرورت داشته تا شاهد فاصله‌های زیاد و نابرابری میان محلات نباشیم.

صدایی که به گوش مسئولان

نمی‌رسد؛ از طومار نویسی

برای امداد فضای سبز

تا فرسودگی بناهای محله!

مردم قول بدون عمل نمی‌خواهند!

یکی از کمبودهای محله که به دفعات در مورد آن صحبت کرده‌اند مکانیزه نبودن یک پل عابر پیاده است که آنقدر برای محله حیاتی و لازم است که حاضر نیستند آن را بگذراند... به خصوص اینکه در مورد آن قول و قرار گرفته و معتقد هستند که عمل به وعده برای بانامز واجب است... محمد حسین هداوندی «دبیر شورای آب محله «شورا» در گفت و گو با خبرنگار «طهران شهر» با اشاره به مشکلات متعدد محله و پیگیری‌های منظم و چند ساله برای حل آنها تاکید می‌کند: برای مکانیزه کردن پل عابر پیاده ایستگاهی بر آرتی «ابوریحان» واقع در خیابان دماوند حدود ۲۰۰ برگ نامه نگاری شده است و جلسات زیادی نیز با شهردار منطقه ۸ که مسئولیت آن با این منطقه بوده تشکیل داده ایم، اما تمام پیگیری‌ها و بار بدون نتیجه می‌ماند، این در حالی است که شهردار منطقه ۸ طبق آخرین صحبت، وعده و قول مساعد داده که دو مصبه برای پل عابر پیاده مکانیزه در اختیار دارند و این ایستگاه در اولویت قرار دارد. متأسفانه این قول شهردار منطقه بعد از دو سال هنوز محقق نشده است. ما از این نظر شرمند مردم هستیم، هر هفته و هر ماه هم به ما اعتراض می‌کنند؛ موضوع را پیگیری می‌کنند در حالی که ما انعکاس داده و یا فشاری کرده ایم، اما نتیجه‌ای نگرفتیم. مردم قول بدون عمل نمی‌خواهند و ناظر بر تمام وعده‌ها هستند، وی ادامه می‌دهد: «اگر فقط یک ساعت کنار همین ایستگاه ایستاده و بررسی کنید که چه قدر تردد برای سالمندان، بانوان، و حتی جوانان سخت و دشوار است. گزارش‌های زیادی از تصادف و حتی کشته شدن عابران وجود دارد که از کار دریل قصد عبور از عرض خیابان «دماوند» را داشته‌اند. اینکه شهردار منطقه ۸ با داشتن دو مجوز قانونی و دادن قول‌های متعدد، هنوز اقدامی در این راستا انجام نداده است، جای سوال و بررسی دارد. نصب نشدن این پله برقی به تنهایی ظلم بزرگی در حق مردم شده و آنها ساکنان پیگیری هستند.»

صدایمان به جایی نرسیده!

مشکلات شهری که به کف محله می‌رسد، پای مردم و حق و حقوقشان که باز می‌شود، از درخواست‌های منطقی و به حق‌شان می‌گویند... محله فضای سبزی ندارد... شما از سر محله تا انتهای محله که بگردید، هیچ فضای سبزی پیدانمی‌کنید... نه اینکه محله جای مناسب و فضای باز نداشته باشد، مسئولان بخیلی به خرج می‌دهند و از این فضاهای خوب استفاده نمی‌کنند... همانطور که گاندیدها و بعد از آن اعضای شورای شهر نزدیک انتخابات بیشتر سراغ محلات می‌آیند و با مردم هم صحبت می‌شوند، بعد از آبی‌گیری هم مردم را فراموش نکنند... مگر نیت اصلی خدمت رسائی نبوده؟ پس نیازسنجی مشکلات محله و رسیدگی به کاستی‌ها هم جزئی از همین خدمت رسائی به خلق خداست... این همه زمین‌ها شده، بناهای فرسوده... تا کی محله قرار است آکیند باقی بماند؟ چرا فضای سبز نداریم؟ صبح تا شب کار و مشغله، اهالی حق ندارند حتی از کنار یک فضای خوب و سبزی تردد کنند؟ «نبود فضای سبز در این محله و اعتراض مردم نسبت به آن تا حدی زیاد است که در عین حال عدای از بانوان و سالمندانی که از آنها در زمین جوانی می‌شویم، سکوت کرده و یا به گفتن این جمله که... «تا حالا خیلی گفته‌ایم و صدایمان به جایی نرسیده» بسنده می‌کنند!

۱۰ سال برای یک متر فضای سبز فریاد زدیم

«حاج اصغر قاسمی»، عضو شورای آب محله «شورا» نیز در گفت و گو با خبرنگار «طهران شهر» تاکید می‌کند: «زودیک به ۱۰ سال می‌شود که در مورد حل مشکل نبود فضای سبز مناسب در محله پیگیری، نامه نگاری، طومار نویسی و... داشته ایم، اگر چه شکر خدا بعضی از محلات از نظر فضای سبز در شرایط مناسبی به سر می‌برند، اما محله «شورا» در این ارتباط به حمایت بیشتری نیاز دارد. سال‌های سال است تقاضای مردم بخشی از رودخانه «مسیل چارود» در محله سر پوشیده شده و از این فضای بسته، مثل محلات همجوار برای فضای سبز یا امکانات دیگر استفاده شود. اما با این فضای مناسب و پیشنهاد یک متر فضای سبز، این ارتباط پاسخ درستی داده نمی‌شود. ضعف محله از نظر فضای سبز، فضای بازی و فضای ورزشی مناسب سال‌های سال است که به قوت خود باقی مانده است؛ یا همی برای کار کردن وجود نداشته و یا دست‌های پهنانه برای پهنانه تراشی و کار نکردن در این ارتباط وجود دارد.»

توافق شهرداری با بنیاد مستضعفان

محمد حسین هداوندی «دبیر شورای آب محله «شورا» در این ارتباط با اعلام اینکه کاش محله تنها ۱۰ درصد از فضای سبز محله «آشتیانی» را در اختیار داشت، به خبرنگار ما می‌گوید: «این کارخانه ۵ هزار متری بیش از ۷۰ سال قدمت داشته و نزدیک به ۱۲ سال است که در مورد آن را بریزی شده است. متأسفانه قبل از اقدامات و برنامه‌های فعلی، با صرف هزینه‌های نجومی قرار بود بناهای این کارخانه قدیمی ترمیم و به صورت یک ساختمان اداری مورد بهره‌برداری قرار گیرد در حالی که این بنا از قدیمی ترین و فرسوده ترین بناهای موجود در محله «شورا» بوده و اگر اعضای شورای آب در این ارتباط اعتراض‌شان به سازمان بازرسی کل کشور نمی‌رسید، این ساختمان با ساخت و ساز نامناسب و غیر اصولی به یک ساختمان اداری تبدیل شده بود؛ خوشبختانه با سماجت و پیگیری‌های مردم، به تازگی وعده داده شده تا این کارخانه به دنبال توافق شهرداری با بنیاد مستضعفان، به فضای سبز نمونه‌ای در منطقه تبدیل شود.»

بافت فرسوده محله و ابراز نگرانی اعضای شورای آب و حتی مردم در این ارتباط یکی از بحث‌های جدی است... نیاز بسیاری از واحدهای فرسوده و قدیمی و بازسازی و بازسازی آنها که به بسیار مطرح شده است اما وجود سه حمام قدیمی در محله که بدون تکلیف‌ها شده‌اند، از مسایل جدی مطرح شده در این گفت و گو است...

حمام‌های قدیمی

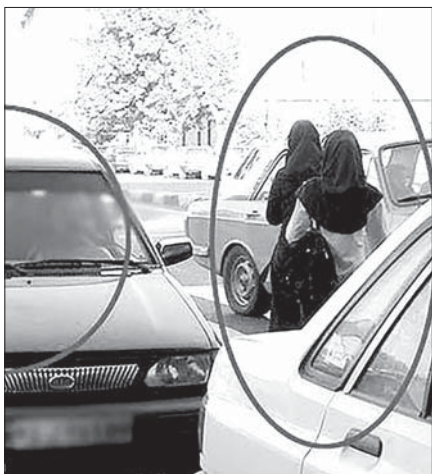
بهترین فرصت برای محله

هداوندی دبیر شورای آب محله «شورا» با بیان اینکه محله مظلوم و غم‌ناک شده است، در این ارتباط می‌گوید: «حمام‌های موجود در محله بسیار قدیمی و کلنگی شده‌اند و اگر دو حمام بدون استفاده متروک است، اما یکی دیگر از حمام‌های قدیمی باقی مانده در حال استفاده که هیچ، در حال سوء استفاده است و بارها در این ارتباط نامه نگاری کرده ایم که اگر در زمان استفاده از آن دیوار و سقف ریزش کند، جان مردم به خطر خواهد افتاد. متأسفانه این حمام‌ها هم عمر ۱۰۰ ساله دارند و تمام سقف دیوارهاشان شکاف‌های عمیق بر داشته‌اند. تخریب و تغییر کاربری هر کدام از این حمام‌ها می‌تواند محله را از فقر و محدودیت‌های رفاهی خارج سازد.»

در یک گزارش آمد:

آزارهای خیابانی، دست انداز

رشد اجتماعی زنان!



ایرنا- آزارها و مزاحمت های خیابانی تا به ای بر پیکر تحیف زنانی است که به دلیل حفظ آبرو، فرار از مزاحمت شناخته شدن و نبود قوانین حمایتی، با به سکوت گزیده و باعث اشاعه این فرهنگ اشتباه از زنی به زن دیگری شوند.

گزارش گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش های خبری ایرنا، داستان کهنه اما تکراری زنانی که بنا بر جنسیت خود، همواره در مکان های عمومی، از نگاه های دنباله دار و آزار دهنده، کلمات زشت و زننده، متلک پرگویی و حرکات فیزیکی ناخوشایند در امان نیستند که در پاره ای موارد به قتل یا خودکشی فرد آزار دیده منجر می شود.

مزاحمت هایی که به دلیل ضعف اجرایی قانون در برابر افراد خطا کار و نگرش نادرست به زنان صورت گرفته است واقع شده، به طور معمول با سکوت درمندان این گروه همراه می شود.

چنانچه «شهلا آراز» مدیر گروه مطالعات زنان انجمن جامعه شناسی ایران عنوان می کند: در گذشته گفته می شد بر زنان به دلیل خوندنمایی، استفاده از لباس های خاص و یا حضور در اماکن نامناسب مورد آزار قرار می گیرند و بدین ترتیب خود زنان مورد آزار قرار می گرفتند. این در حالی است که پژوهش هانشان می دهد که مشکل ظاهری و نه پوشش و نه حتی نگاه کردن و یا حضور زنان در مکان های خاص هیچ تأثیری بر روی این آثار ندارد.

اعزای که بتازگی در همایش امنیت زنان در فضای عمومی سخن می گفت، با بیان اینکه آزارهای جنسی هم زمان با ایجاد شهرهای بزرگ آغاز شده اند، افزود: در روستا و شهرستان های کوچک به دلیل آشنایی میان مردم به میزان ناچیزتری شاهد وقوع چنین پدیده هایی هستیم اما در شهرها به دلیل گمنامی و سکوت اماکنی که افراد می توانند در آن حاضر شوند بیشتر شاهد آزارهای خیابانی هستیم.

با در نظر گرفتن اهمیت امنیت روانی زنان و دختران در جامعه، گروه تحلیل، تفسیر و پژوهش های خبری ایرنا در گفت و گو با «پروانه محمدخانی» روانشناس و استاذ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و «سمیه فریدونی» جامعه شناس به بررسی علت آزارهای خیابانی و به چالش کشیده شدن امنیت روانی زنان در فضای عمومی و همچنین معرفی عامل های بازدارنده آن پرداخت.

بنابر نظار این کارشناس اجتماعی، انگیزه و هدف مردانی که با قصد ایجاد مزاحمت های خیابانی قدم به این مسیر می گذارند، احساس قدرت، نشان دادن برتری جنسی و تحقیر جنس مخالف است که در قالب مانور دادن یا خود در مقابل مدارس دخترانه یا بانان عابر پیاده، تنه زدن و آزارهای جسمی خودنمایی می کند.

خلاءهای فرهنگی و آموزشی

عامل گسترش آزارهای خیابانی

محمدخانی در ابتدای سخن خود در باره فرهنگ می گوید: فرهنگ شامل عناصر بسیاری از جمله مذهب، عرف و سنت حاکم بر آن جامعه است و می افزاید: در جامعه ای که نگاه به زنان، شیء گونه است و بیشتر جنبه های جنسی آنان منظر قرار می گیرد به خصوص جامعه ای که زمان زیادی از حضور اجتماعی زنان نمی گذرد، آزارهای خیابانی پر رنگ تر جلوه می کنند. چرا که این محیط فضای اجتماعی که بدون آموزش و فرهنگ سازی گسترده شده است، بستر ساز رشد چالش آزاها علیه زنان خواهد بود.

در کشورهایی توسعه یافته، در نتیجه این فرهنگ سازی، زنان با امنیت روانی کامل، با پای همه مردان کار می کنند، زنان هم به دلیل این که در محدودیت های ساخته شده توسط مردان قرار نمی گیرند، انتخاب گر هستند و اگر شرایط مطلوب عاطفی نداشته باشند می توانند از آن فضا و محرومیت های عاطفی و جنسی رهایی پیدا کنند. اما زنان در معرض محرومیت های عاطفی، ممکن است رفتارهایی از خود نشان دهند که دعوت کننده باشد و مردان هم به خود اجازه دهند در هر شرایطی، با نگاه جنسی و شی گونه آنان رفتار کنند. آزارهای کلامی، تعرض و حتی راه نماندن به خودرویی باراننده زن و غیره آزارهایی است که متأسفانه به دلیل نبود جایگاهی برای شکایت و جرم انگاری نشدن، محدودیت قوانین، عدم آموزش رفتاری به مردان به رفتارهای عادی تبدیل شده که زنان هم به دلیل نگاه های اطرافیان و ترس از آبرودا دلی آزرده از کنار آن می گذرند.



حذف آزارهای خیابانی

با همبستگی آموزش، قانون و فرهنگ

فریدونی می گوید: مسراده آزار خیابانی اتفاق های ناخوشایندی است که علیه زنان در فضای عمومی صورت می گیرد که در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و می هم تأثیر فراوانی دارد. مردان آزار دهنده نیاموخته اند که تعرض به حریم شخصی زنان، به منزله تخریب روحیه و نابودی نسل های بعد از آن است. در این میان نگاه به زن آزار دهنده هم ناراحت کننده است چرا که بنابر عرف نانوشت و نادرست، آزار دهنده و خطا کار، گناهکار به شمار نمی رود و انگشت اتهام به سمت آزار دیده نشانه می رود.

نقص در سیستم آموزشی، یکی از دلایل اصلی این رخدادها و آزارهای خیابانی است چرا که در وهله نخست آزارش و صلح را به دانش آموزان یاد نمی دهند. در نتیجه نمی توان انتظار داشت که برون داد اجتماعی این سیستم، محصولی باشد که به دنبال آزارش باشد. در وهله دیگر، واقعیت این است که این سیستم آموزشی، از دانش آموز توقع اطاعت کننده صرف دارد و با تغییر وضعیت و عدم اطاعت دانش آموز، پر خاشاگری را به او اهدا می کند که آزارها و مزاحمت های خیابانی شهادی بر این مدعا است.

نقص قوانین هم از دلایل آزارهای خیابانی است اما به صراحت می توان گفت که اگر نقص فرهنگی نداشته باشیم می توانستیم نقص قانون را پوششیم. نقص فرهنگی که نه تنها نشأت گرفته از نظام مردسالاری است بلکه زنان هم علیه زنان دیگر اشاعه دهنده این آزارها هستند فقط کافی است به دلالی که میان زنان علیه زنان ردوبدل می شود توجه کرد تا به نقص فرهنگی رسید.

به عبارتی دیگر، علاوه بر بحث قانون که اصلاح آن در حوزه آزارها و دختران خواهد شد.



زلزله، ترس و دیگر هیج!

زلزله پدیده ای است که امکان وقوع آن در همه جا به ویژه در منطقه های دارای گسل ها وجود دارد که تهران از جمله این مناطق است. هیچ دستگاهی نمی تواند بطور دقیق زمان وقوع زلزله را پیش بینی کند و کسی هم نمی تواند مانع وقوع آن شود. بنابر این هیچ راه گریزی از این پدیده نیست مگر اینکه ساختمان ها مقاوم سازی و آموزش ها نیز بطور کاربردی به شهروندان ارائه شود. جدا از بحث مقاوم سازی، آموزش ها تأثیر معنی داری نمی تواند روی کاهش آسیب ها در ساختمان های نامقاوم در هنگام زلزله های مخرب داشته باشد و فقط فاصله شهروندان از ساختمان مسکونی می تواند این آسیب ها را کاهش دهد. اما یکی از عواملی که باعث تلفات و مصدوم شدن افراد در زمان وقوع زلزله می شود، عجله، شتاب و بطور کلی ترس و وحشت شهروندان از وقوع چنین حوادثی است. نظیر این رویداد در آرزو زلزله چهارشنبه شب ۲۹ آذر استان البرز شاهد بودیم. یعنی کانون اصلی زلزله در شهر ملارد در استان البرز بوده اما دو کشته آن از شهرهای شهریار و رباط کریم که از نظر مسافت با ملارد فاصله داشته بوده است.

ذکر کنید دلیل کشته شدن هموطنان یاد شده خرابی های حادثه زلزله نبوده بلکه به طراز عواملی مثل ایست قلبی بوده که منشاء آن هراس و ترس از واقعه زلزله بوده است. با مدار امروز چهارشنبه نیز شهروندان پایتخت که فاصله شهرشان با ملارد خیلی بیشتر از شهریار و رباط کریم است، در بیرون خانه ها شب را سبزی کردند در حالی که منشاء وقوع این زلزله گسل تهران نبوده است. زلزله با مدار چهارشنبه ملارد با بزرگی ۴.۲ ریشتر نیز چنین مشخصه ای داشته است یعنی عامل این تکان، گسل تهران نبوده اما پایتخت نشیمان باز به خیابان ها آمدند. دلیل اقدام شهروندان تهرانی در برخورد با این دو زلزله و پس لرزه نه تنها قابل سرزنش نیست بلکه یک اقدام درست و به موقع بوده است. صبح این است که احتمال اندک، از محل امکان وقوع حادثه فاصله بگیرد که تهرانی ها نیز چنین کردند.

استرس متعادل چنانچه منشاء تحولات و حرکات مثبت در انسان شود، اقدامی قابل ستایش است اما چنانچه این وحشت آسیب ها را بیشتر کند در آن صورت باید فکری به حال آن کرد. در مساله زلزله به هیچ وجه نباید، ترس و وحشت بر ما غلبه کند زیرا همین موضوع انجام سایر اقدامات مثبت را از انسان سلب می کند. همانطور که در زلزله و پس لرزه های اخیر استان های تهران و البرز شاهد آن بودیم. کم که در حادثه های این چنینی دچار استرس و اضطراب مدافع شود قطعاً کار را به درستی انجام نمی دهد و طبیعتاً آسیب ها چند برابر خواهد بود. همانطور که گفته شد زلزله های اخیر استان تهران و البرز خرابی نداشته و بعید می دانم دیواری نیز ترک برداشته باشد اما سه کشته و بیش از ۱۰۰ زخمی داشته است که ترس عامل اصلی آن بوده است. بیشترین عامل این اضطراب و وحشت، از ذهنیات شهروندان شکل می گیرد که ناشی از اطلاعات غلط و شایع است. اکنون همه افراد گوشه همراه دارند و از طریق اینترنت به شبکه های اجتماعی متصل هستند. اغلب مطالب این سبای ها و فضای مجازی درست نیست و شایعه است زیرا مطالب آنان از کاتال منبع موثق و رسمی حاصل نمی شود و به طور کلی با منابع موثق در ارتباط نیستند.

جدا از اینکه منابع رسمی و موثق باید در چنین موقعی میزبان اثرگذار خود را بسالابینند و این مساله در حال حاضر یکی از اشکالات فضای رسانه ای کشور است، یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که فضاهای مجازی به دلیل همان حجم زیاد کاربران از این لحاظ قدرت بسیار بالایی در جامعه دارند و همین مساله و همچنین محتوای این فضاها باعث شده که میزان شایعات و خبرهای غیر موثق در جامعه افزایش یابد.

یک جامعه شناس:

از دواج در ایران «ناامن» است



تعمایل دختران به زندگی با مردان میانسال بدلیل بی اعتمادی به پسران عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: دختری که به ازدواج با افراد میانسال تمایل دارند، اغلب دختران بالای ۳۰ سال هستند که برای تامین زندگی نمی توانند به پسران جوان اعتماد کنند. همچنین خشونت در پسران جوان بسیار بالاست، بنابراین دختران به سمت مردی می روند که رفتار محبت آمیز داشته باشد. امیرمحمود حریری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و جامعه شناس در گفت و گو با خبرنگار ایسنا درباره افزایش ازدواج مردان بالای ۶۰ سال گفت: در جایی زندگی می کنیم که آدم‌ها بسیار تنها هستند و در واقع برای فرار از این تنهایی کارهای مختلفی انجام می دهند. افراد در جامعه ایران سعی می کنند برای فرار از تنهایی شریای را فراهم کنند که این نوع از ازدواج‌ها نیز به همین مسئله مربوط است.

او با اشاره به اینکه مسئله ازدواج مردان بالای ۶۰ سال را می توان از زاویه های مختلف اجتماعی نگاه کرد، ادامه داد: ازدواج دختران با مردان بالای ۶۰ سال در طبقات مختلف اجتماعی و این طبقات بیشتر است و این دختران نیز توقعات مالی و اقتصادی زیادی دارند، راحت تر اتفاق می افتد.

تعمایل دختران به زندگی با مردان میانسال بدلیل بی اعتمادی به پسران

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: دختری که به ازدواج با افراد میانسال تمایل دارند، اغلب دختران بالای ۳۰ سال هستند که برای تامین زندگی نمی توانند به پسران جوان اعتماد کنند. همچنین خشونت در پسران جوان بسیار بالاست، بنابراین دختران به سمت مردی می روند که رفتار محبت آمیز داشته باشد. امیرمحمود حریری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و جامعه شناس در گفت و گو با خبرنگار ایسنا درباره افزایش ازدواج مردان بالای ۶۰ سال گفت: در جایی زندگی می کنیم که آدم‌ها بسیار تنها هستند و در واقع برای فرار از این تنهایی کارهای مختلفی انجام می دهند. افراد در جامعه ایران سعی می کنند برای فرار از تنهایی شریای را فراهم کنند که این نوع از ازدواج‌ها نیز به همین مسئله مربوط است.

افزایش پلاق تمایل از دواج دختران با مردان میان سال را بالا می برد

حریری با بیان اینکه اکثر ازدواج‌های جوانان را طلاق تهدید می کند، افزود: از طرفی دختران با این مسئله روبرو هستند که اکثر ازدواج‌ها پس از سال‌ها پشان با شکست مواجه می شود، پس ترجیح می دهند ازدواج امن تری داشته باشند. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به مسئله اقتصاد در خانواده گفت: اگر امروز قرار باشد دختران با پسران

نظر مالی تامین می شود و محبت بیشتری هم نسبت به دیگران از شوهرش دریافت می کند. به گفته این جامعه شناس مسئله ازدواج مردان میان سال با دختران جوان در گذشته زیاد بوده است. حریری با بیان اینکه قبح این مسئله در گذشته ایران ریخته شده است، گفت: در گذشته این موضوع کاملاً قابل قبول بوده است، مخصوصاً که میان زنان بیوه یا مردانی که زنان خود را از دست می دادند، رواج زیادی داشته است، اما در حال حاضر این مسئله برای جامعه قبح دارد.

جوان از دواج کنند باید استقلال مالی داشته باشند یا حتی مواردی بخشی یا همه مخارج زندگی را تامین کنند که همه این موارد می تواند انگیزه‌ای برای ازدواج با مردهای سن بالا باشد. حریری با تاکید بر اینکه انگیزه‌های عاطفی زنان برای این گونه ازدواج‌ها کمتر است، خاطر نشان کرد: این مسئله درباره مردان بیشتر عاطفی است و این مردان کمبود عاطفی شان را با دختران یا زنانی بر طرف می کنند که تمایلی به بیچاره شدن ندارند. او درباره این گونه ازدواج‌ها در طبقات پایین جامعه، گفت: متأسفانه در اقبال پایین جامعه می توان نام این موضوع را یک معامله گذاشت، به ویژه اینکه مردان با سن‌های بالا دختران کم سن و سال را انتخاب می کنند، اما در طبقات متوسط و بالا این پدیده بیشتر میان دختران بالای ۳۰ سال وجود دارد که در اکثر آنها نیز دیده می شوند زندگی زناشویی موفق است، برآز از

فراز از تنهایی علت اصلی ازدواج مردان بالای ۶۰ سال

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تصریح کرد: مردان ۶۰ تا ۷۵ سال مردان میانسال هستند و می توانند فعالیت داشته باشند و شاید نمی توان به آنها پیر گفت. اکثر مردانی که در این سن و سال به ازدواج تمایل پیدا می کنند از طبقات بالای جامعه و از مردانی هستند که با طلاق گرفتند یا همسرشان فوت کردند. این مردان برای فرار از تنهایی ازدواج می کنند.

او تاکید کرد: مسئله طلاق به خصوص طلاق‌های عاطفی یکی از علت‌های این موضوع است. وقتی دختران جوان شاهد طلاق‌های زیاد یا زندگی‌های ناموفق هستند، تمایل بیشتری به این نوع از ازدواج‌ها پیدا می کنند؛ چون هم از لحاظ مالی تامین خواهند بود و زندگی امن تری دارند و تنها هم نخواهند بود، البته این مسئله قبح دارد اما فردی به جایی می رسد که به نگاه منفی جامعه تن می دهد. حریری با اشاره به ریشه‌های روان‌شناختی این مسئله گفت: افرادی که به این نوع ازدواج‌ها تمایل دارند یا این گونه از ازدواج می کنند در تلاش‌اند تنهایی شان را بر کنند و با افرادی که مانند خودشان هستند این تنهایی را به اشتراک بگذارند.

عدم احساس مسئولیت جامعه را از ازدواج منطقی دور کرده است

او بیان اینکه این موضوع یکی از واقعیت‌های جامعه ایران است که از گذشته وجود داشته، گفت: ایران جامعه موقتی از نظر ازدواج نیست. سن ازدواج بالا رفته و پسران به دنبال دختران جوان هستند بنابراین بسیاری از دختران بالای ۳۰ سال فرصت ازدواج را از دست دادند شاید به مردی که مهر و محبت داشته باشد بتوانند هزینه‌های زندگی را تقبل کنند حتی با سن بالا تمایل نشان دهند.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تاکید کرد: ما باید در جامعه فکری به حال تنهایی آدم‌ها بکنیم، چون افراد برای فرار از تنهایی ممکن است نه به بسیاری از مسائل دهند که این گونه ازدواج‌ها حداقل آن است. او افزود: هم چنین پسران جوان نمی توانند هزینه‌ها و معیشت خانواده را تامین کنند حتی می توان گفت تلاش زیادی هم برای این موضوع ندارند. دختری که به ازدواج با افراد میانسال تمایل دارد اغلب دختران بالای ۳۰ سال هستند که برای تامین زندگی نمی توانند به پسران جوان اعتماد کنند. هم چنین خشونت در پسران جوان بسیار بالاست و در جوانان بیشتر دیده می شود، بنابراین دختران به سمت مردی می روند که رفتار محبت آمیز داشته باشد.

حریری با تاکید بر اینکه احساس مسئولیت در پسران جوان و کل جامعه کم رنگ شده است، گفت: این عدم احساس مسئولیت نیز باعث شده افراد دچار مشکلات عاطفی و تنهایی شوند. متأسفانه ما سواد عاطفی یا بیبی داریم. اگر بتوانیم سواد عاطفی را افزایش دهیم شاهد ازدواج‌های منطقی خواهیم بود.

ادامه از صفحه ۱۴

زلزله، ترس و دیگر هیچ!

برای مقابله با این فضا تنها عاملی که می تواند شهروندان را از سردرگمی در دست یا غلط بودن خبرها و اطلاعات در مورد زلزله رهایی بخشد، سواد رسانه‌ای است. هر شهروندی لازم است در مورد خیلی از پدیده‌ها و تحولات جامعه سواد داشته باشد و در خصوص فضاهای مجازی نیز باید این گونه عمل کند.

سواد رسانه‌ای یا یعنی بدین معنی تشخیص دهیم که کدام اطلاعات و خبر درست یا غلط است و این مهارتی است که شهروندان در بزنگاه‌های مختلف باید به آن دست یابند. در رویدادها و حوادث مختلف از جمله حادثه زلزله خیلی از اطلاعات و مطالب از طریق فضاهای مجازی رد و بدل می شود و به دلایل مختلف قابل استناد نیست مگر اینکه از طرف منابع رسمی و رسانه‌های رسمی و موق منتشر شود.

مطالب فضاهای مجازی و شبکه اجتماعی در خیلی از موارد نمی تواند موق باشد زیرا هرگز مسئولیت مطالب غلط و اشتباه خود را نمی پذیرد. بنابراین از روایات استناد نیست. اگر همین خبرهای اشتباه که غالباً شایعه است در جامعه منتشر شود، نخستین آسیب آن را فرزندان خانواده‌ها متحمل خواهند شد. در زمان حاضر اغلب کودکان و نوجوانان گوشی تلفن همراه دارند و قبل از والدین با مراجعه به شبکه های مختلف اجتماعی این گونه اخبار را رصد می کنند.

بسیاری از والدین نیز در این شبکه‌ها حضور دارند و با چنین مطالبی سر و کار دارند. خیلی از همین خانواده‌ها همین مطالب را به غالباً شایعه است در بین فرزندان خود مطرح می کنند و کودک و فرزند خانواده همین مطالب نادرست را با مطالب نادرستی که خود از فضاهای مجازی به دست می آورد در خود حفظ می کنند و به ترس، اضطراب و استرس در آنان منجر می شود.

بسیاری از والدین و بزرگترها بخاطر نداشتن همان سواد رسانه‌ای یعنی مهارت نداشتن تشخیص مطالب غلط و درست از یکدیگر، دچار استرس و اضطراب می شوند و صد البته همین استرس و اضطراب را چند برابر به کودکان خود منتقل می کنند. همانطور که بیان شد این اضطراب و استرس نه تنها سواد برای فرزندان آنان نداد بلکه روند زندگی و تحصیلی کودکان و حتی بزرگترها و والدین را تحت تأثیر قرار می دهد. کودک در مدرسه و والدین در محل کار و منزل دائم در اندیشه واقعه‌ای هستند که هیچ منبع موقی آن را تأیید نکرده است.

بسیاری از مطالب همین فضاهای مجازی که از پیش بینی روز زلزله حکایت می کند غلط بوده و این نشان می دهد که نباید به این مطالب زیاد توجه کرد. کودک هیچ نفع و فایده‌ای از این گونه مطالب نمی برد مگر اینکه دچار استرس و اضطراب مضاعف و سپس ناکامی در خیلی از کارهای تحصیلی و غیر تحصیلی شوند.

والدین تنها کاری که در این زمان می توانند برای کودکان انجام دهند این است که آنان را از محیط‌هایی که چنین مطالبی منتشر می کنند، دور نگه دارند و با مطالب امیدبخش این کودکان را از استرس و اضطراب رهایی بخشد.

آموزش فرزندان و نحوه برخورد آنان با این گونه پدیده‌ها از موضوعات مهمی است که والدین باید آن را در محیط بسیار آرام و بدون استرس و اضطراب به آنان آموزش دهند. والدین و خانواده‌ها برای کاهش آسیب‌های اجتماعی باید به مراجع و رسانه‌های رسمی و موق مراجعه کنند و تصمیمات آینده خود را بر همین اساس اتخاذ کنند. بزرگترهای هر خانواده بهترین افراد برای تصمیم گیری جهت ماندن یا نماندن در محل است و تحت تأثیر فرار گرفتن شایعات نباید بدترین نوع برخورد با این پدیده‌ها است که می تواند صدمات و آسیب‌های زیادی به اعضای خانواده به ویژه کوچکترها وارد کند.

زمان برگزاری: ۲۵ و ۲۶ دی ماه ۱۳۹۶، محل برگزاری: دانشگاه تهران

سومین کنفرانس جامع مدیریت شهری ایران با رویکرد ISC

زیرساخت‌ها، خدمات و توسعه پایدار شهری

موضوعات کنفرانس: معماری، طراحی شهری، شهرسازی و توسعه پایدار شهری، عمران و توسعه پایدار شهری، خدمات شهری، محیط زیست و توسعه پایدار شهری، منابع انسانی و توسعه پایدار شهری، اقتصاد و توسعه پایدار شهری، حمل و نقل و ترابری و توسعه پایدار شهری، برنامه‌ریزی و توسعه پایدار شهری، هنر، فرهنگ، هویت و توسعه پایدار شهری، شورازهارها، شوراهای اسلامی شهرها و توسعه پایدار شهری، مدیریت بحران، پدافند غیرعامل، ایمنی و توسعه پایدار شهری، مشارکت‌های مردمی و توسعه پایدار شهری، فناوری‌های نوین و توسعه پایدار شهری

شهری

www.ICUM.ir

https://icm.urbanmanagementconf



دفتر مرکزی: تهران - میدان هفت تیر - خیابان بهار شیراز - خیابان سلیمان خاطر - خیابان ملایری پور غربی - پلاک ۹۰ - طبقه ۱ - واحد ۱

تلفن: ۰۹۱۲۲۴۵۷۸۹۷ - ۸۸۳۱۲۵۹۷

سایت اینترنتی: www.padidehshahr.com کانال تلگرام: @padidehshahr

مدیر اجرایی: عبدا... سالاری اسکر
مدیر هنری: گلنوش مریخی
چاپ: سلام
توزیع: صمت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیمین سالاری اسکر
سرمدیر: عابدین سالاری اسکر
مدیر تحریریه: سمیه جاهد عطائیان

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

شنبه ۹ دی ۱۳۹۶ - سال چهارم - دوره جدید، شماره: ۵۳

۱۶ صفحه - قیمت: ۱۱۰۰ تومان

December 30, 2017 www.tehranshahrweekly.com

دوجین

در هر قرعه کشته ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریالی



برای شرکت در این جشنواره

لزوماً نباید مشتری بانک سرمایه باشید،

تمام ایرانیان به این جشنواره دعوت اند



آخرین مهلت شرکت در قرعه کشته: دوازدهم هر ماه

جشنواره دوجین بانک سرمایه؛ ۷۲ برنده خوش شانس در هر ماه

از دواج کرده اند (بدون محدودیت سال)

قرعه کشته می باشد (بدون محدودیت سال)

شایان ذکر است هر یک از موضوعات قرعه کشته ۱۲ برنده خواهد داشت که در هر ماه مجموعاً ۷۲ نفر برنده خوش شانس این قرعه کشته خواهند بود. گفتمی است به هر یک از برندگان قرعه کشته یک قطعه کارت هدیه ۵ میلیون ریالی هدیا خواهد شد.

لازم به ذکر است هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه برای شرکت در قرعه کشته می بایست در صفحه مربوطه در وبسایت این بانک نسبت به ثبت مشخصات کامل خود اقدام نمایند و در صورت برنده شدن در قرعه کشته، برای دریافت جایزه خود به همراه اصل کارت هدیه برنده شده به شعبه مربوطه مراجعه نمایند. همچنین هموطنان علاقه مند به شرکت در بندهای ۵ و ۶ قرعه کشته (از دواج و تولد) می توانند با مراجعه به وبسایت بانک سرمایه به آدرس www.bank.ir یا صفحه اینستاگرامی بانک سرمایه به نشانی www.instagram.com/banksarmaye اطلاعات مربوط به تاریخ تولد خود را به همراه سایر اطلاعات درخواستی بارگذاری نمایند. سامانه نپوده و اطلاعات مورد نیاز مشتریان به صورت خودکار از واحدهای مربوطه جهت قرعه کشته دریافت خواهد شد. شایان ذکر است قرعه کشته های به تساوب در دوازدهم هر ماه بر گزار می گردد که سومین مرحله قرعه کشته انجام شده و اسامی برندگان مرحله جشنواره به زودی در وبسایت بانک سرمایه منتشر خواهد شد. گفتمی است چهارمین مرحله قرعه کشته ۱۲ دی ماه بوده و هموطنان و مشتریان برای شرکت در چهارمین مرحله قرعه کشته می توانند از ۱۲ آذرماه نسبت به ثبت اطلاعات خود در سامانه های مربوطه اقدام نمایند. لازم به ذکر است اسامی برندگان از طریق وبسایت بانک سرمایه به اطلاع عموم مشتریان ارجمند خواهد رسید.

بانک سرمایه در ماههای منتهی به دوازدهمین سالگرد تاسیس خود تا دی ماه سال جاری، جشنواره «دوجین» را با قرعه کشته ها و جوایز متعدد برگزار می کند. قرعه کشته این جشنواره به صورت ماهانه بوده و از مهرماه سال جاری آغاز و تا دی ماه ادامه خواهد داشت. شایان ذکر است قرعه کشته در دوازدهم هر ماه در شش موضوع به شرح ذیل برگزار خواهد شد:
۱. تمامی هموطنان دارنده کارت هدیه بانک سرمایه (کارت های هدیه صادر شده در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشته)
۲. تراکنش مشتریان بانک سرمایه در سیستم بانکداری الکترونیک این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشته)
۳. خرید و فروش سهام توسط مشتریان بانک سرمایه در شعب ارائه دهنده خدمات کارگزاری بازار سرمایه این بانک (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشته)
۴. افتتاح حساب مشتریان بانک سرمایه (در بازه زمانی دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشته)
۵. تمامی هموطنانی که از دوازدهم ماه قبل تا دوازدهم ماه قرعه کشته

دارندگان کارت های هدیه
خرید و فروش سهام در شعب
ارائه دهنده خدمات کارگزاری

تراکنش در بانکداری الکترونیک

افتتاح حساب

تولد

از دواج

کسب اطلاعات بیشتر
@sarmayebank
sarmayebank
www.sbank.ir
۴۳۳۳
صدای سرمایه